چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران: روندها، فرایندها و چالش‌ها

روح اله اسلامی[1] و ملیحه خوش‌بین[2]

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۸

چکیده

آموزش عالی در جوامع مختلف به جهت تأمین نیروی انسانی متخصص و توانمند و ارتباط نزدیک با بحث توسعه، امروزه مورد توجه جدی قرار داشته و از این‌رو سیاست‌گذاری صحیح و کارآمد در این حوزه را می‌طلبد. سعی ما در این مقاله تحلیل چگونگی چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایرانِ پسا انقلاب و بررسی میزان کامیابی یا ناکامی این سیستم است. از این‌رو پرسش اصلی مقاله این است که چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران چگونه است و دستاوردهای مثبت و منفی این سیاست‌گذاری‌ها چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشانگر این است که سیاست‌گذاری آموزشی در ایران در مرحله طراحی، روندی متمرکز و از بالا به پایین، آرمان‌گرایانه و ایدئولوژی‌محور دارد و در مرحله اجرا دارای ضعف‌های اساسی است. اهداف طراحی شده کلی و مبهم بوده و با واقعیات موجود در اجرا ناهماهنگ است. رشد کمیّ دانشگاه‌ها و افزایش جمعیت باسواد کشور، افزایش زنان تحصیل‌کرده، تأسیس دانشگاه آزاد و دانشگاه‌های غیردولتی، تأسیس دانشگاه پیام نور و آموزش از راه دور و نیز تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی از دستاوردهای مثبت سیستم سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران بوده است. از طرفی عدم استقلال دانشگاه‌ها، عدم تناسب میان رشد کمیّ و کیفی دانشگاه‌ها، فعال نبودن حوزه عمومی برای بیان نظرات ذی‌نفعان و کارشناسان دانشگاهی،

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، Eslami.r@um.ac.ir.

۲- دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

رواج مدرک‌گرایی، عدم تناسب رشته‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و بازارکار و شمار زیاد بیکاران دانشگاهی، از جمله ناکارآمدی‌های نظام سیاست‌گذاری آموزش عالی در کشور است.

واژه‌های اصلی: نظریه سیستمی، چرخه سیاست‌گذاری، آموزش عالی، ایران.

۱- بیان مسئله

برای نخستین بار ایده تأسیس دانشگاهی جامع در سال ۱۳۰۷ مطرح شد که منجر به تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ شد (عباسی، دانایی‌فرد، آذر و الوانی، ۱۳۸۹: ۸۶). تأسیس دانشگاه در این دوران تلاشی در جهت برون‌رفت از عقب‌ماندگی با بهره‌گیری از دستاوردهای تمدن غرب بود. در این دوره که نسل اول دانشگاه‌ها در ایران شکل گرفت، آموزش‌محوری و تربیت نیروی متخصص برای توسعه کشور از عمده‌ترین ویژگی‌های آن بود. (سهرابی، یمنی‌دوزی، فراستخواه و حضرتی، ۱۴۰۰: ۱۹۴). پس از پیروزی انقلاب اسلامی به موازات دگرگونی اساسی در ساختارهای کشور، آموزش عالی نیز دستخوش دگرگونی شد. اسلام‌گرایی، بدیل غرب‌گرایی و باستان‌گرایی دوره پهلوی شد و اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها، فلسفه آموزش عالی قرار گرفت. پس از انقلاب، حرکت از نسل اول دانشگاه‌ها به سمت نسل‌های دوم و سوم صورت گرفت و پژوهش‌محوری و کارآفرینی مورد توجه واقع شد. می‌توان اهمیت پژوهش، مهارت‌افزایی و کارآفرینی را در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب به ویژه برنامه‌های پنجم و ششم مشاهده کرد.

امروزه سیاست‌گذاری آموزش عالی در توسعه کشور باید هموارکننده خواسته‌هایی چون کیفیت در آموزش عالی، گسترش کمّی دانشگاه‌ها، توازن بین کیفیت و کمیّت در نظام آموزش عالی، پاسخگویی به بازارهای علمی جهان، استقلال دانشگاه‌ها، پاسخگویی به نیازهای بازارکار و اشتغال دانش‌آموختگان باشد. از این‌رو ضرورت سیاست‌گذاری آموزشی صحیح و کارآمد، بیش ازگذشته احساس می‌شود. بنا بر اهمیت اساسی حوزه آموزش، برخی از سیاست‌گذاری آموزشی به عنوان یکی از پنج حوزه غول‌آسای سیاست‌گذاری یاد کرده‌اند (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳). بسیاری از صاحب‌نظران برنامه‌های توسعه بر این باورند که آموزش عالی یکی از ارکان و عوامل اصلی توسعه به‌شمار می‌آید و ضرورت دارد که برنامه‌ریزی در این بخش دقیق و مبتنی بر اصول باشد (آذر، غلامرضایی، دانایی‌فرد و خداداد حسینی، ۱۳۹۲: ۲). در نظام اجتماعی امروز ایران، یکی از عرصه‌های بحث‌برانگیز از حیث کارآمدی، نظام آموزش و پرورش و به‌تبع آن، نظام آموزش عالی با تعداد روزافزونی از افراد با مدارک دانشگاهی و در عین حال، تعداد بسیار زیادی افراد بیکار دارای مدرک دانشگاهی است (ابراهیمی کیاسری، الوانی و معمارزاده طهران، ۱۴۰۲: ۲۳۱). نظام آموزش عالی یکی از حوزه‌هایی است که به جهت تأثیر پراهمیتش نیازمند سیاست‌گذاری عمومی است (الوانی، پورسید و هادی پیکانی، ۱۳۸۸: ۷۴). از این‌رو با توجه به اهمیت سیاست‌گذاری در بخش آموزش عالی، این مقاله به دنبال بررسی چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران پس از انقلاب اسلامی است. در این بررسی

به تحلیل سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران و میزان کامیابی یا ناکامی در رسیدن به اهداف این سیاست‌ها می‌پردازیم.

۲- پیشینه پژوهش

در رابطه با سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی پژوهش‌های درخور توجهی صورت گرفته است. برخی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه از این قرارند: امیر رجائی در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی در ایران» (۱۴۰۱)، به آسیب‌ها و موانع خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی در ایران می‌پردازد و این آسیب‌ها را به سه دسته آسیب‌های فرایندی، آسیب‌های ساختاری و آسیب‌های مبتنی بر ویژگی‌های زمینه‌ای تقسیم می‌کند. آسیب‌های فرایندی خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی عبارت‌اند از فراهم نبودن الزامات علمی و عملی فرایند خط‌مشی‌گذاری و ضعف در اجرای مناسب خط‌مشی‌های مدون. آسیب‌های ساختاری خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی شامل ضعف در برآورده ساختن الزامات مورد نیاز برای پیاده‌سازی مناسب سیستم مورد نیاز تمرکزگرایی اداره امور و کم کارآمدی و پایین بودن میزان اثربخشی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد. آسیب‌های زمینه‌ای نیز شامل مساعد نبودن ویژگی‌های زمینه‌ای برای خط‌مشی‌گذاری درباره موضوعات آموزش عالی، کم کارآمدی دانشگاه‌ها در ساختن نظام هنجاری و تولید علم می‌باشد.

سید سعید نجیبی و اباصلت خراسانی نیز در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی نظام سیاست‌گذاری آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران» (۱۴۰۱)، به بررسی آسیب‌ها و چالش‌های سیاست‌گذاری آموزش عالی می‌پردازند. نویسندگان به این نتیجه می‌رسند که مشخص نبودن هدف‌گذاری و مأموریت‌های آموزش عالی و نسبت آن با سایر سیاست‌های دستگاه‌های اجرایی کشور، ضعف‌های ساختاری، قانونی و نگاشت‌نهادی در سیاست‌گذاری آموزش عالی، مغفول ماندن استفاده از علم سیاست‌گذاری، بی‌توجهی به چرخه فرایند سیاست‌گذاری از تدوین سیاست تا نظارت، بی‌ثباتی مدیریتی و نبود نگاه راهبردی بلندمدت در نظام سیاست‌گذاری آموزش عالی، کم‌توجهی به پیش‌نیازهای فنی و علمی در سیاست‌گذاری آموزش عالی و عدم توجه به سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی و ضعف تبیین سیاست‌ها از مهم‌ترین آسیب‌های نظام سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران است. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند با شفاف کردن اهداف آموزش عالی، ایجاد مرزبندی در فعالیت نهادهای سیاست‌گذار، استفاده از فرایندهای علمی در سیاست‌گذاری، رعایت چرخه سیاست‌گذاری نسبت به اصلاح نظام سیاست‌گذاری آموزش عالی در کشور اقدام شود.

لطف‌الله ساعدموچشی و نعمت‌الله عزیزی در مقاله «تحلیل ابعاد کمیّ و کیفی سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران» (۱۳۹۹)، با بررسی سیاست‌گذاری آموزش عالی ایران به بیان آسیب‌های این نظام پرداخته و تمرکز در برنامه‌ریزی و عدم استفاده از برنامه‌ریزان متخصص و نفوذ جریانات عقیدتی و سیاسی، رشد کمیّ بی‌رویه و افت کیفیت علم و دانش را از چالش‌های نظام آموزش عالی ایران می‌دانند.

محمدرضا عباسی و علی‌اصغر شیره‌پز آرانی در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌گذاری کیفیت آموزش عالی: چالش‌ها و چشم‌اندازها» (۱۳۹۰)، بر این باورند که سیاست توسعه کمیّ آموزش عالی پاسخی برای تقاضای رو به رشد اجتماعی بوده و سبب تنوع دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و توسعه جریان‌های موازی آموزش عالی شده است. اما به سبب فقدان ابزار سیاست‌گذاری مشخص برای ارتقا و تضمین کیفیت، این بُعد از آموزش عالی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و پیشنهاد می‌کنند که سیاست‌گذاری در نظام آموزش عالی به گونه‌ای باشد که بهبود و ارتقاء کیفیت را نیز به دنبال داشته باشد.

با اینکه کارهای زیادی در زمینه آموزش عالی انجام شده است، اما فرایند و چگونگی چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران تاکنون مورد توجه جدی واقع نشده است. با توجه به ضعف پژوهش در این زمینه، این نوشتار در پی تبیین و تحلیل چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران است.

۳- چارچوب نظری

دیوید ایستون، معمار اندیشه سیستمی در سیاست، از سیاست‌گذاری به عنوان تأثیر فعالیت‌های دولت یاد می‌کند (ملک‌محمدی، ۱۳۸۵: ۱۷۹). دای از صاحب‌نظران عرصه سیاست‌گذاری عمومی، سیاست عمومی را هر عملی که دولت تصمیم بر انجام دادن یا انجام ندادن آن می‌گیرد، تعریف می‌کند (نجیبی و خراسانی، ۱۴۰۱: ۸۱). سیاست‌گذاری فرایندی پیچیده، سیال و سیاسی است؛ تدوین راه‌حلی عملی برای حل یک مسئله مشخص یا برای دستیابی به یک هدف ویژه است (بنار، رضاییان، معماریانی و معینی، ۱۳۹۹: ۹۸). هدف از سیاست‌گذاری در عرصه‌های گوناگون، عقلانی ساختن زندگی بشر و اعمال و اقدامات آنها است و این سیاست‌ها به انسان در تسلط بر زندگی اجتماعی خویش یاری می‌رساند (رضایی قادی و شیرخانی، ۱۳۹۹ :۱۶۹).

در بررسی سیاست‌های عمومی از روش‌ها و مدل‌های گوناگونی استفاده می‌شود. بسیاری از نویسندگان به سبب سادگی و کارآمد بودن، مدل چرخه‌ای را برای این منظور به‌کار می‌گیرند. این چرخه مدلی مفهومی است که فرایند سیاست‌گذاری عمومی را از خلال حرکت در مراحل متوالی به نمایش می‌گذارد. در این مدل با مجموعه‌ای از مراحل در قالب یک چرخه روبه‌رو هستیم که به آن چرخه سیاست می‌گویند. نخستین مرحله در این چرخه، تهیه دستور کار برای سیاست‌گذاری است. در این مرحله تصمیم گرفته می‌شود که چه موضوعاتی به سبب اهمیت می‌توانند به سیاست تبدیل شوند و چه موضوعاتی نیازمند سیاست‌گذاری نیستند. مرحله دوم، تدوین سیاست است. این مرحله بسیار بااهمیت و نیازمند صرف زمان مناسب و استفاده از متخصصان و کارشناسان توانمند می‌باشد. سومین مرحله، اجرای سیاست است. در این مرحله سیاست‌هایی که در مرحله پیشین وضع شده‌اند، به مرحله اجرا در می‌آیند. اجرای سیاست‌ها کاری دشوار و وابسته به مؤلفه‌های گوناگون است. میزان

موفقیت یا عدم موفقیت در این مرحله مبنای اصلی قضاوت درباره کامیابی یا ناکامی یک سیاست است. ارزیابی سیاست چهارمین مرحله در این چرخه است. در این مرحله از آنچه که به مرحله اجرا درآمده است، به منظور تطابق یا عدم تطابق با اهداف اولیه ارزیابی صورت می‌گیرد. در مرحله تغییر که پنجمین مرحله از چرخه سیاست‌گذاری است، در برخی سیاست‌ها تغییرات جزئی یا کلی صورت می‌گیرد. پایان سیاست آخرین مرحله در این چرخه است و در آن یک سیاست یا خود به پایان می‌رسد یا باید آن را به پایان رساند. این مرحله به لحاظ تشخیص و نیز عملیاتی شدن مرحله‌ای مهم و دشوار در چرخه سیاست‌گذاری است (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵).

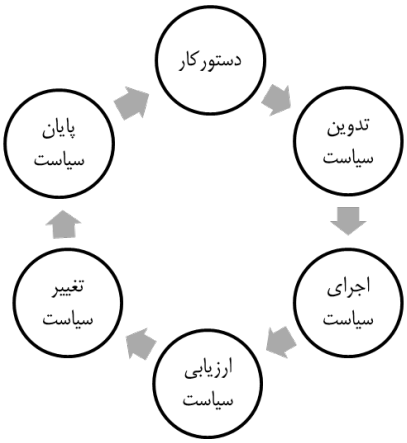

شکل ۱- چرخه سیاست‌گذاری
منبع: حمیدرضا ملک‌محمدی (۱۳۹۴)

در عرصه آموزش عالی نیز، تحلیلگرانی هستند که مراحلی را برای فرایند خط‌مشی‌گذاری در حیطه آموزش عالی ارائه داده‌اند. از جمله لارن.ال.کانینگهام در مقاله‌ای با عنوان «فرایند توسعه خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی» پنج مرحله آغاز (ورود)، تعریف، سنجش (بررسی)، تصویب (مشروعیت یافتن) و دستاورد (نتیجه) را در حیطه خط‌مشی‌گذاری در آموزش عالی مطرح کرده است. طبق این مدل از نظر وی تمام تصمیمات آموزشی در قالب فرایند مذکور اخذ می‌شود. همچنین کمپل به ارائه مدلی پرداخته که طی آن خط‌مشی‌گذاری آموزشی در یک فرایند چهار مرحله‌ای تدوین می‌شود که عبارت‌اند از: مرحله نیروهای بنیادی، مرحله تحرکات مقدماتی، مرحله کنش سیاسی و در نهایت مرحله تصویب رسمی (الوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۴-۸۵).

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که فرایند خط‌مشی‌گذاری در آموزش عالی به عنوان یک سیستم پیچیده از کنش‌ها عمل می‌کند (Bache and Taylor, 2003) ودویگ فون برتالانفی (۱۹۰۱ تا ۱۹۷۲) از جمله متفکرانی است که کمک شایانی به شناخت و ارائه نظریه سیستمی کرده است. در واقع می‌توان گفت وی واضع نظریه عمومی سیستم‌ها به صورت مدون و علمی است. برتالانفی در

اواخر ۱۹۲۰ نظریه ارگانیسمی را مطرح کرد. از دیدگاه وی موضوع نظریه عمومی سیستم‌ها تعیین اصولی است که آن اصول برای تمام سیستم‌ها به طور اعم صادق است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱۳۱-۱۱۳۰). دیوید ایستون در مدل سیستمی، چارچوبی مفهومی برای درک خط‌مشی‌های سیاسی ارائه داده است (Bache and Taylor, 2003). وی نظریه تحلیل سیستمی را به عنوان الگویی برای تبیین نظام سیاسی و کارکردهای اجزای مختلف آن مطرح کرد. ایستون این نظریه را با الهام از مدل سیستمی فون برتالانفی در کتاب «نظریه عمومی سیستم‌ها: بنیان‌ها، توسعه، کاربرد» طراحی نمود (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰: ۵۷). در تحلیل سیستمی مرزبندی‌های سیستم اهمیت بالایی دارند؛ چراکه بر اساس آن فرایندهای تعاملی به سه قسمت نهاده، تبدیل و داده تقسیم می‌شوند. از طریق نهاده‌ها و داده است که نظام سیاسی با محیط پیرامونش ارتباط برقرار می‌کند. نهاده‌ها شامل دو مقوله تقاضاها و حمایت‌ها است. به طور طبیعی در هر نظام سیاسی امکان برآوردن همه خواسته‌ها و تقاضاها وجود ندارد و همیشه به میزانی تقاضا و خواسته‌های تحقق نیافته وجود دارد و این مسئله، فلسفه وجودی ورود افراد در فعالیت‌های سیاسی است. این تقاضاها هم در داخل خود سیستم و هم محیط پیرامون سیستم شکل می‌گیرند. بنابراین با دو نوع تقاضای داخلی و خارجی روبه‌رو هستیم. در بخش نهاده‌های سیستم علاوه بر تقاضاها، حمایت‌ها نیز بایستی وجود داشته باشند؛ زیرا برای پویایی و بقاء یک نظام سیاسی تقاضا به تنهایی کافی نیست. حمایت‌ها نیز در دو نوع آشکار و پنهان مطرح می‌شوند که رأی دادن به نامزدهای انتخاباتی و میزان وفاداری افراد به دموکراسی به ترتیب جزو حمایت‌های آشکار و حمایت‌های پنهان می‌باشند. در نهایت نظام سیاسی باید بتواند در مقابل تقاضاها و حمایت‌ها به ارائه داده‌های مناسب بپردازد. چراکه در بلندمدت عدم پاسخگویی سیستم و ناتوانی آن در ارائه داده‌های مناسب منجر به تغییر رژیم و بهم‌ریختگی جامعه خواهد شد (قوام، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۲).

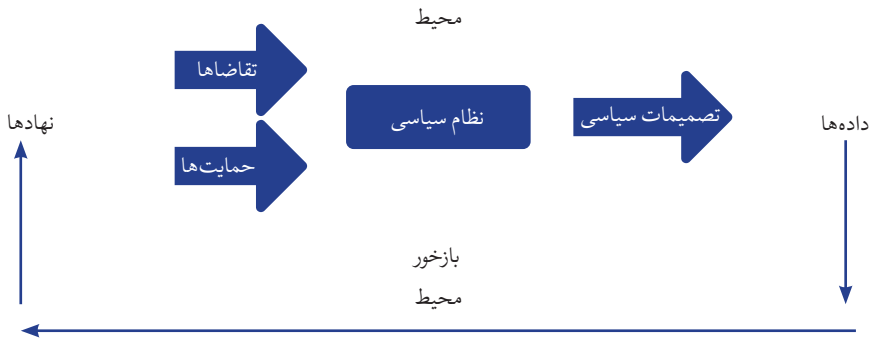

شکل ۲-شیوه کار نظام
منبع: عبدالعلی قوام (۱۳۹۲)

چارچوب نظری این پژوهش تلفیقی از مدل چرخه‌ای سیاست‌گذاری و مدل سیستمی است. براساس این مدل به بررسی پنج مرحله ورودی‌ها، طراحی، اجرا، دستاورد یا خروجی و ارزیابی می‌پردازیم.

روش پژوهش

روش پژوهش ما در این مقاله اسنادی-نهادی است. قانون اساسی، اسناد بالادستی، سند چشم‌انداز بیست ساله، برنامه‌های توسعه، قانون برنامه و بودجه، قوانین و گزارش‌های نهادهای ذی‌ربط و عملکرد نهادهای مجری منابع مورد نیاز و به تعبیری جامعه آماری ما در این پژوهش بوده‌اند. از آنجا که به لحاظ قانونی خط‌مشی عمومی را نهادهای دولتی تعیین، اجرا و اعمال می‌کنند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶)، برای تحلیل خط‌مشی‌گذاری در زمینه آموزش عالی نیز بایستی نهادهای مربوطه و اسناد و گزارش‌های آنها را بررسی کرد. از حیث زمان نیز سیاست‌گذاری در زمینه آموزش عالی را در دوره پس از انقلاب اسلامی (از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون) مورد مطالعه قرار می‌دهیم. ابزار گردآوری داده‌ها نیز بررسی مستندات بوده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل کیفی استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱ مؤلفه‌های ورودی سیاست‌گذاری آموزشی: ورودی‌های سیستم، خواسته‌ها، تقاضاها و فشارهایی است که اغلب از محیط پیرامون بر سیستم وارد می‌شود و اولویت‌های سیاست‌گذاری را تعیین می‌کند. بدیهی است که همه خواسته‌ها و تقاضاها نمی‌توانند خود را به یک مسئله و در مرحله بعد به یک سیاست تبدیل کنند. همچنین سیستم نیز به دلیل پاره‌ای از محدودیت‌ها، همچون محدودیت‌های ساختاری، بودجه و نیروی انسانی محدود نمی‌تواند به همه تقاضاها با داده‌های مناسب پاسخ دهد. از این‌رو مطالباتی که از حمایت عمومی بیشتری برخوردار باشند، گروه‌های قدرتمندتری پیگیر آنها باشند و با ارزش‌های سیستم در تعارض نباشند، شانس بیشتری برای ورود به سیستم و تبدیل به یک سیاست دارند. شناسایی تقاضاهای گروه‌های گوناگون می‌تواند به سیستم سیاسی در امر تدوین و اجرای سیاست‌ها کمک کند.

هر حوزه از سیاست‌گذاری عمومی ذی‌نفعان خود را دارد که این سیاست‌ها تأثیر مستقیمی بر شرایط زندگی آنها می‌گذارند و مطالبات و خواسته‌های آنها، ورودی‌های سیستم به‌شمار می‌آیند. در زمینه آموزش عالی نیز می‌توان استادان دانشگاه، دانشجویان، مؤسسات آمادگی کنکور، بازار، روحانیون و افکار عمومی را جزو ذی‌نفعان و به اصلاح ورودی‌های سیستم درنظرگرفت.

۴-۱-۱ اساتید دانشگاه: اساتید دانشگاه از جمله مهم‌ترین ذی‌نفعان نظام آموزش عالی به‌شمار می‌آیند که رشد و بالندگی این حوزه تحت تأثیر مستقیم کمیّت و کیفیّت این گروه قرار دارد. تقویت و توسعه اعضاء هیئت علمی به مثابه روح و جان آموزش عالی، زیر بنای توسعه سایر بخش‌ها می‌باشد (حسن‌مرادی و مهرپارسا، ۱۳۹۹: ۶۳). مشارکت و دخیل بودن این گروه مهم اجتماعی در سیاست‌گذاری آموزش و حکمرانی دانشگاه امری ضروری تلقی می‌شود. پژوهشگران و صاحب‌نظران معتقدند که مشارکت اعضاء هیئت علمی در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری دانشگاه، در بهبود عملکرد دانشگاه مؤثر است .(Brown, 2001)

اساتید دانشگاه در ایران طیف متنوعی از اساتید حق‌التدریس و هیئت علمی با وضعیت استخدامی رسمی، پیمانی و آزمایشی را در انواع مختلفی از دانشگاه‌های دولتی، آزاد، پیام نور، علمی‌کاربردی و مؤسسات آموزشی گوناگون دربرمی‌گیرد که به لحاظ رتبه و حقوق یکسان نیستند. عدم یکپارچگی و یکدست نبودن این قشر سبب نبود یک تشکل منسجم شده که این امر نیز مانع پیگیری و تحقق اهداف و مطالبات آنان می‌گردد. همچنین این گروه به لحاظ فکری و سیاسی نیز دارای آرا و نظرات متفاوتی هستند. به طور کلی می‌توان تشکل‌های اساتید را در سه گروه انجمن‌های اسلامی مدرسین، کانون‌های صنفی اساتید و کانون‌های بسیج اساتید دسته‌بندی کرد. طیف استادانی که به لحاظ فکری به روحانیت و دستگاه‌های نظامی و امنیتی نزدیک هستند، اثرگذاری بیشتری داشته و در پیگیری خواسته‌های خود موفق‌تر خواهند بود.

مجموعه این عوامل باعث می‌شود که اساتید دانشگاه در مرحله طراحی و تدوین سیاست‌ها چندان اثرگذار نبوده بلکه اثرگذاری آنها مربوط به حوزه اجرائیات باشد.

۴-۱-۲ دانشجویان: در اسناد سیاستی، دانشجویان ذی‌نفع اصلی شناخته می‌شوند. این امر نشان‌دهنده اهمیت اساسی این گروه جهت مشارکت در امر سیاست‌گذاری آموزش است. با مشارکت بیشتر دانشجویان در سیاست‌گذاری دانشگاه، می‌توان تصمیمات آگاهانه‌تری گرفت، درک بهتری از نیازهای دانشجویی داشت و در نتیجه خدمات بهتری به دانشجویان ارائه داد (کیخا و جعفری توفیقی، ۱۴۰۰: ۵۰۲ و ۴۹۸).

براساس آخرین آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تعداد دانشجویان کشور در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱، ۳ میلیون و ۳۴۲ هزار و ۲۲۰ نفر (یک میلیون و ۷۰۰ هزار و ۷۹۴ نفر مرد و یک میلیون و ۶۴۱ هزار و ۴۲۶ نفر زن) بوده است که از این تعداد، اکثریت یعنی ۶۱.۹۳ درصد در مقطع کارشناسی تحصیل می‌کنند. همچنین براساس همین آمار، ۵۷ درصد از کل دانشجویان (حدود یک میلیون و هزار نفر) در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، شامل دانشگاه‌های جامع، تخصصی، پیام نور، فرهنگیان و علمی‌کاربردی تحصیل می‌کنند و بقیه در حال تحصیل در واحدهای مختلف دانشگاه آزاد هستند.[1]

دانشجویان برای پیگیری مطالبات خود در تشکل‌های مختلفی گرد هم می‌آیند. این تشکل‌ها با مجوز دانشگاه در حوزه وسیعی از عناوین، مشغول فعالیت هستند. کانون‌های فرهنگی و هنری، انجمن‌های علمی و شوراهای صنفی در این مجموعه قرار می‌گیرند. از آنجا که در ایران مجوز کار غیردولتی را هم دولت صادر می‌کند، این امر به محدود کردن حوزه فعالیت تشکل‌ها منتهی می‌شود. زیرا ناظر این تشکل‌ها دولت است، محدوده فعالیت این تشکل‌ها را دولت مشخص می‌کند، مرجع مشروعیت‌دهنده به این تشکل‌ها دولت است و نیز اختیار انحلال این نهادها با دولت است. این

1- https://akharinkhabar.ir/social/9762806

عوامل سبب ناتوانی، ناپایداری و عدم پیگیری فعالیت تشکل‌های دانشجویی در ایران شده است (جاوید، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۲). در صورتی که دانشجویان دارای حق سیاسی برای سازماندهی نهادهای دانشجویی هستند و می‌توانند از دولت‌ها تقاضا کنند منابع مورد نیاز تحصیلات آنها را فراهم کنند و صنایع را ملزم به حمایت از آموزش شغلی آنها کنند (Choi, ۲۰۱۹). همچنین آنها این حق را دارند که برای رسیدن به پیشرفت اجتماعی و حرفه‌ای، بستر و آموزش‌های مورد نیاز را مطالبه کنند و نیز تا آنجا که اصول انضباطی را نقض نکنند، حق بحث آزادانه در کلاس را دارند. افزون بر این دارای حق مشارکت در سیاست‌گذاری آموزشی دانشگاه جهت کسب اطمینان از برخورداری از آموزش‌های مطلوب هستند .(Leisty, 2013)

در ایران دانشجویان توانسته‌اند گهگاه در مقاطع مختلف در قالب جنبش‌های دانشجویی و تشکل‌های صنفی و مانند آن به عنوان گروه فشار عمل کرده و تأثیرگذار باشند؛ اما این اثرگذاری بیشتر سیاسی و مقطعی بوده و در روند سیاست‌گذاری آموزشی نقش قابل ملاحظه‌ای نداشته‌اند. چرا که مدیران و مسئولان سیاست‌گذاری آموزشی باور چندانی به نقش دانشجویان برای مشارکت در حکمرانی دانشگاه ندارند. در صورتی که فرصت مشارکت ذی‌نفعان در مسئله خط‌مشی‌گذاری عمومی به نوعی دموکراتیزه شدن بنیادی منجر می‌شود و آنها را از حالت بی‌تفاوتی خارج کرده و به سرنوشت خود در جامعه متعهد می‌سازد (الوانی، ۱۳۸۱: ۶).

جدول ۱- انواع نهادها و تشکل‌های دانشجویی

نام نهاد و تشکل دانشجویی	اهداف
بسیج دانشجویی	ترویج اسلام و اصول انقلاب در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش‌عالی، زمینه‌سازی برای ترویج جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم بومی و دینی و کمک به اسلامی کردن دانشگاه‌ها، تبیین و ترویج فرامین امامین انقلاب، دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن
شوراهای صنفی	تقویت حضور و مشارکت دانشجویان در نظام تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و نظارت بر امور صنفی و رفاهی دانشگاه
جامعه اسلامی دانشجویان	تعمیق فرهنگ و معارف اسلامی، رشد بینش سیاسی و انقلابی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و گسترش مشارکت مدنی دانشجویان
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل	شاخه جدا شده انجمن‌های اسلامی برخی از دانشگاه‌ها از دفتر تحکیم وحدت
جنبش عدالت‌خواه دانشجویی	عدالت‌خواهی و انتقاد و مطالبه‌گری. توجه به مشکلات و معضلات سیاسی و اجتماعی
انجمن‌های علمی دانشجویی	مناظره و نقد علمی، هم‌اندیشی و نشست‌های تخصصی، مطالعات و پژوهش‌های علمی، نشر و ترویج یافته‌های علمی و فعالیت‌های کمک آموزشی
کانون‌های فرهنگی هنری دانشجویی	پاسخگویی به نیازهای متنوع و رشد خلاقیت‌های فرهنگی دانشجویان، سامان بخشیدن به خواسته‌ها و تلاش‌های خود انگیخته فرهنگی و هنری و اجتماعی دانشجویی. حمایت و هدایت این گروه از فعالیت‌ها در جهت نیل به ارزش‌های اسلامی

منبع: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان

https://culture.vru.ac.ir/student-organizations

۴-۱-۳ روحانیون: پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری روحانیون و حاکمیت ایدئولوژی اسلام‌گرایانه بر مدرنیسم پهلوی، به تبع ساختارهای کشور نیز تغییری اساسی یافت. یکی از این ساختارها، ساختار آموزشی کشور بود که به طور جدی تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفت. با باور به این مسئله که آنچه در دوران پهلوی در دانشگاه‌های کشور آموزش داده می‌شد، با محتوای غربی و توسط استادان متمایل به غرب انجام می‌گرفت، تصمیمی جدی برای تغییر محتوای دروس دانشگاهی، تصفیه اساتید دانشگاه و پاکسازی فضای دانشگاه از عناصر غربی و شرقی ضد اسلامی صورت گرفت. همچنین با ملتهب شدن فضای دانشگاه‌ها پس از انقلاب اسلامی و درگیری و مباحثات شدید بین گروه‌های مختلف چپ مارکسیستی، لیبرالیست‌ها، ملی‌گرایان، انقلابیون اسلام‌گرا و دیگر جریانات موجود و احساس خطر گروه‌های مسلمان انقلابی از نشر عقاید غیر اسلامی در دانشگاه‌ها، با موافقت رهبر انقلاب و طی فرمانی از جانب ایشان در فروردین سال ۱۳۵۹ برای مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شده تا تصفیه و پاکسازی صورت گیرد. این امر تحت عنوان انقلاب فرهنگی انجام شد. به دنبال این فرمان، از ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ دانشگاه‌ها به طور رسمی تعطیل شد و در ۲۳ خرداد فرمانی مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی از سوی امام خمینی صادر گشت (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۵۳۴-۵۲۴). این ستاد مسئول بررسی سوابق استادان و معلمان و جریانات انحرافی و مطابقت دروس آموزشی و محتوای کتب با اصول و موازین اسلامی بود. ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۳ به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر یافت. همچنین برای تطبیق آموزش در دانشگاه با موازین اسلام، با اشاره امام خمینی، ارتباط بین دانشگاه و حوزه علمیه قم برقرار شد و ستاد انقلاب فرهنگی برای اصلاح علوم، به ویژه علوم انسانی شکل گرفت (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۵۸۸). به این ترتیب مسیر نفوذ پررنگ روحانیت به عرصه علم و آموزش در دانشگاه هموار گردید و بحث وحدت حوزه و دانشگاه مطرح شد. روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها تا به امروز ادامه داشته و می‌توان این امر را فلسفه بنیادین آموزش عالی در ایران دانست.

روحانیون طبق اصل چهار قانون اساسی مبنی بر منطبق بودن کلیه قوانین بر موازین اسلام، حضور و نفوذی جدی در تمامی عرصه‌ها از جمله آموزش عالی داشته و از طرق مختلف بر این حوزه اثرگذاری می‌کنند. این اثرگذاری که هم در مرحله طراحی سیاست‌ها و هم نظارت بر آنها صورت می‌گیرد، طیف متنوعی از جمله از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی در تعیین سیاست‌های کلان آموزشی، نمایندگی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها و اثرگذاری در زمینه جذب، استخدام و احراز صلاحیت‌های عمومی اساتید، امامت نماز جماعت در دانشگاه‌ها، کرسی استادی در دروس تخصصی بسیاری از رشته‌ها از جمله شاخه‌ها و گرایش‌های مختلف معارف اسلامی و الهیات اسلامی و نیز دروس عمومی اسلامی و حتی ریاست برخی دانشگاه‌ها را دربرمی‌گیرد.

۴-۱-۴ افکار عمومی: افکار عمومی امروزه نه تنها به مرزهای ملی محدود نمانده و بین‌المللی شده است، بلکه به آن حد از بلوغ رسیده که از آن به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار بر سیاست‌ها یاد

می‌شود. ارتباط میان افکار عمومی و سیاست‌گذاری در قلب نظریه دموکراسی هنجاری قرار دارد. پاسخگویی حکومت به ترجیحات افکار عمومی برای اغلب برداشت‌ها از دموکراسی مهم و اساسی است (Binzerhbolt, 2005, 378).

مطالعه افکار عمومی در ایران نشان از اشتیاق زیاد به تحصیل در دانشگاه دارد. دستیابی به جایگاه و پرستیژ اجتماعی و نیز موقعیت‌های برتر شغلی و اجتماعی، از دلایل اقبال گسترده برای ورود به دانشگاه به‌شمار می‌آید. هر چند در سال‌های اخیر به دلایلی همچون شمار زیاد دانش‌آموختگان بیکار دانشگاهی، سرخوردگی از رقابت شدید بر سر ورود به چند دانشگاه برتر دولتی و نیز رشته‌های خاص مانند پزشکی و نیز اوضاع متزلزل اقتصادی و نیاز برای ورود سریع‌تر به بازار کار، رغبت برای ورود به دانشگاه کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته اشت. اما با وجود این هنوز هم برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی و دانش‌آموزان، ورود به دانشگاه، به خصوص دانشگاه‌های برتر و رشته‌های درآمدزا ، یک ارزش محسوب شده که با صرف زمان و هزینه زیاد برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند. خواست و تقاضای مردم در روند سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی بسیار تأثیرگذار است. با توجه به اقبال گسترده افکار عمومی به تحصیل در دانشگاه، سیاست‌گذاری آموزش عالی به سمت گسترش کمیّ سوق داده شد. در راستای این سیاست، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی‌کاربردی، مؤسسات غیرانتفاعی و غیردولتی تأسیس شد و روز به روز بر تعداد آنها افزوده گردید. به نحوی که بعد کمیّ آموزش عالی در ایران، به صورتی ناهماهنگ و نامتوازن در ارتباط با بعد کیفی آن رشد یافته است (روشن و حسینی لرگانی، ۱۳۹۹: ۷).

۵-۱-۴ بازار: امروزه توسعه اقتصادی نیازمند نظام آموزش عالی پویا و هماهنگ با تحولات نظام اشتغال و بازار می‌باشد. به این معنا که توسعه و ارتباط آموزش عالی و بازار کار براساس نیازها و توانمندی‌های دو طرف صورت می‌گیرد. بر این اساس از وظایف مهم آموزش عالی، پرورش نیروی انسانی کارآمد برای اشتغال در بخش‌های مختلف جامعه است. با توجه به اهمیت آموزش عالی و بازارکار و از طرفی ارتباط متقابل و سطح تأثیرگذاری آنها از یکدیگر و لزوم توازن و هم‌ترازی بین آموزش عالی و بازار کار، ضرورت دارد که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی این حیطه با دقت و بررسی همه‌جانبه انجام گیرد (قادری، محمدیان، کشاورززاده، قاسمی، ریگی و ساعد موچشی، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۱۲).

بازار و بخش صنعت می‌تواند از طریق اقبال نسبت به برخی رشته‌های دانشگاهی و به‌کارگیری دانش‌آموختگان دانشگاهی و یا عدم اقبال و بی‌اعتمادی به آن، تأثیر مستقیمی بر سیاست‌های آموزش عالی داشته باشد. به این معنا که توجه بازار و صنعت می‌تواند سبب گسترش برخی رشته‌ها و موضوعات دانشگاهی و یا به حاشیه راندن برخی دیگر شوند. رشته‌های دانشگاهی که بازار کار خوبی دارند، به عنوان رشته‌های پرمتقاضی، مورد توجه سیاست‌گذاران آموزش عالی قرار گرفته و بودجه مناسب‌تری را دریافت می‌کنند. از سوی دیگر ممکن است رشته‌هایی که تناسبی با بازارکار ندارند، در سیاست‌گذاری آموزش عالی مورد تجدید نظر قرار بگیرند. این امر می‌تواند از تجدید نظر

در برنامه‌ریزی و سرفصل دروس تا اصل و اساس موضوعی رشته را دربرگیرد. در واقع همان‌گونه که شافریتز و بریک می‌گویند «سیاست‌گذاری آموزشی به وسیله نیازهای اقتصادی یک جامعه هدایت می‌شود» (شافریتز و همکار، ۱۳۹۰: ۴۱۷).

۶-۱-۴ مؤسسات کنکور: اشتیاق ورود به دانشگاه و اخذ مدرک دانشگاهی در ایران، افزون بر پیامدهای مثبت مثل افزایش دانش، آگاهی و تخصص در جامعه، دارای پیامدهای منفی نیز بوده است. یکی از تبعات منفی آن، سوء استفاده‌های مالی مؤسسه‌ها و مراکز آمادگی کنکور و به راه انداختن صنعت پردرآمد کنکور است. این مراکز با هدف کسب سود، عدالت آموزشی را که هدف از به راه‌اندازی کنکور بود، به چالش کشیده و آسیب‌هایی جدی به آن وارد کرده‌اند. از طرفی آموزش را از محتوای علمی تهی کرده و به فن و تکنیک تقلیل داده‌اند. کنکور سبب شده که طبقات و قشرهای مرفه برای قبولی فرزندانشان در دانشگاه‌های برتر و رشته‌های پرمتقاضی هزینه‌های هنگفت کرده و شانس قبولی آنها را افزایش دهند. درآمد سرشار مؤسسات کنکور به خوبی بیانگر تلاش آنها برای ادامه پذیرش در دانشگاه به شیوه برگزاری کنکور است. این مؤسسات با برگزاری آزمون‌های آزمایشی کنکور، کلاس‌های تقویتی و ارائهٔ جلسات مشاوره برنامه‌ریزی تحصیلی و انتخاب رشته دانشگاه و نیز انتشار کتاب‌های تست و کمک آموزشی درآمدهای کلانی کسب می‌کنند. گفته شده که گردش مالی این مؤسسات حدود هشتاد و دو هزار میلیارد تومان در سال است. به این ترتیب این مراکز سهم عظیمی از بازار آموزش در ایران را در دست گرفته، به نحوی که طی دو دهه اخیر از آن تحتِ عنوان مافیای کنکور یاد شده است.[1] بنابراین سیاست‌گذاران آموزش عالی که از سال‌ها پیش به دلیل بی‌عدالتی‌ها، آسیب‌های روحی و روانی به دانش‌آموزان و بار شدن هزینه‌های مالی بر دوش خانواده‌ها، در صدد حذف کنکور بوده‌اند، با مانعی جدی چون مافیای کنکور روبه‌رو بوده و هستند. محمد بطحایی، وزیر سابق آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۹ به روزنامه ایران گفته بود: «کنکور موجب شده که دانش‌آموزان دچار مشکلات روحی شوند، اما مافیای کنکور اجازه حذف کنکور را نمی‌دهد.»[2] به این ترتیب این گروه که از برگزاری امتحانات ورودی در دانشگاه‌ها بسیار فربه شده و سودهای کلانی جذب می‌کنند، از طریق فشار و لابی‌گری، مانعی جدی در برقراری عدالت آموزشی و اتخاذ سیاست‌های آموزشی مناسب هستند.

۴-۲ مؤلفه‌های طراحی سیاست‌گذاری آموزش عالی

زمانی که یک موضوع وارد دستور کار سیاست‌گذاری شد، باید در قالب یک سیاست ارائه شود. به این دلیل تدوین یک سیاست را فرموله کردن یا قالب‌بندی آن در یک چارچوب حقوقی و قانونی نیز می‌گویند. به اعتقاد جیمز اندرسون منظور از تدوین یا طراحی سیاست، اتخاذ مجموعه‌ای از اعمال

1- www.mashreghnews.ir 2- www.eghtesadnews.com

و کنش‌های قابل قبول و مناسب از طریق مقامات حکومتی و سیاستمداران، برای ارتباط برقرار کردن با مسائل عمومی از طریق تبدیل آنها به قانون است (ملک‌محمدی، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۲). در واقع طراحی نوعی اندیشه و ذهنیت است که در قالب قانون اساسی، سیاست‌های کلی و کلان، سند چشم‌انداز، برنامه‌های توسعه و قوانین و آیین‌نامه‌ها خود را نشان می‌دهد. باید توجه داشت که سیاست‌گذاران در طراحی سیاست نباید اهداف بلندپروازانه و آرزوهای خود را لحاظ کنند؛ بلکه تطبیق با واقعیات موجود بیش از هر چیز بایستی مدنظر آنها باشد. چرا که اطمینان از واقع‌بینانه بودن، صحت و انسجام سیاست‌های تدوین شده، عامل مؤثری در اجرای آنها است (آذر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱).

اگر نیک بنگریم، تمامی فعالیت‌های انسان، فلسفه و باورهای بنیادین خود را داراست که هسته شناخت آن را تشکیل می‌دهد. اما فلسفه چهره‌ای روشنفکرانه دارد و شیوه‌ای برای اندیشیدن است و برای آنکه بتوان آن را به عمل تبدیل کرد یا براساس آن یک سیاست وضع کرد، نیاز به دکترین است. در واقع دکترین نیروی واسطه‌ای میان فلسفه و سیاست است. یک سیاست عمومی اجرای یک دکترین است و دکترین یک ایدئولوژی یعنی مجموعه‌ای فراگیر از باورهای سیاسی درباره سرشت مردم و جامعه است (شافریتز و همکار، ۱۳۹۰: ۲۸۳ و ۳۰۹).

فلسفه حاکم بر آموزش عالی در ایران نیز از باورهای اساسی نظام جمهوری اسلامی که مبتنی بر اعتقادات دینی و مذهبی است، سرچشمه می‌گیرد. بر این اساس دکترین آموزش عالی در ایران آموزش عدالت محورانه و حمایتی، همراه با روحیه انقلابی و اسلامی را به دنبال دارد. بنابراین اسلامی شدن دانشگاه‌ها برآیندی از فلسفه آموزش عالی در ایران است که در طراحی اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه‌های توسعه قابل مشاهده و پیگیری می‌باشد.

۱-۲-۴ قانون اساسی: در اصل سه قانون اساسی، تسهیل و تعمیم آموزش عالی بیان شده است.

طبق اصل سی قانون اساسی نیز دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. این اصل در ذیل حقوق ملت آورده شده است.

۲-۲-۴ سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴: با تصویب قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۸۳ که با هدف انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی، تحقیقاتی و فناوری کشور انجام شد، جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز دارای ویژگی‌هایی خواهد بود که بخشی از آن در قلمرو رسالت آموزش عالی است، از جمله: «ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل، ... برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر

جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل...»[1]

به این ترتیب می‌توان اهداف آموزش عالی را از چشم‌انداز بیست ساله استخراج کرد:

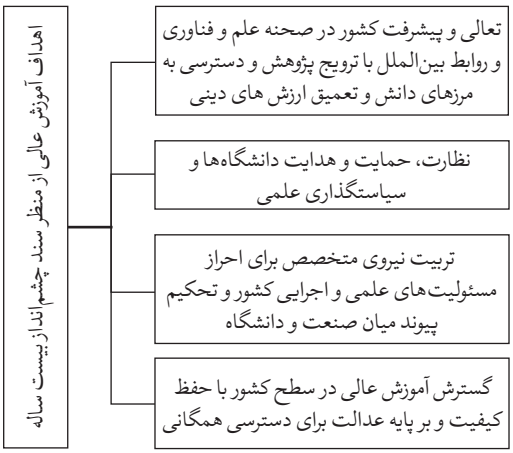

شکل ۳- اهداف آموزش عالی در چشم‌انداز بیست ساله

منبع: (ابطحی و ترابیان، ۱۳۸۹)

۳-۲-۴ برنامه‌های توسعه و آموزش عالی: برنامه‌های توسعه از ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی برخوردار هستند که به صورت پنج‌ساله توسط دولت وقت طراحی شده و بعد از آن به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسند. اقدامات مجریان در بخش‌های گوناگون براساس موارد مندرج در این اسناد می‌باشد.

برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸): نخستین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پس از پایان جنگ و در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و متناسب با اهداف و رویکردهای کلی این دولت مبنی بر توجه به زیرساخت‌های اقتصادی و بازسازی کشور تدوین شد. آنچه به آموزش عالی مربوط می‌شود در هشت تبصره از ماده واحده این برنامه آمده است که به شرح زیر است:

جدول ۲- برنامه اول توسعه و آموزش عالی

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
تبصره ۶	توجه به توسعه آموزش عالی در مناطق محروم به منظور تأمین نیروی انسانی مورد نیاز مناطق یاد شده از طریق افزایش سهمیه بخش‌های محروم در پذیرش آموزش عالی
تبصره ۲۴	ایجاد یک نهاد متمرکز با امکانات و اختیارات قانونی برای تمرکز امور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تمام سطوح تحصیلی شامل تحصیلات دانشگاهی
تبصره ۲۸	تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز دولت در مناطق مورد نیاز از طریق اخذ تعهد خدمت برابر مدت آموزش

1- http:// paramedfac.tbzmed.ac.ir

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
تبصره ۴۴	تأمین اعضاء هیئت علمی مورد نیاز دانشگاه‌ها از طریق جذب فارغ‌التحصیلان ایرانی دانشگاه‌های خارج از کشور
تبصره ۴۵	فراهم کردن تسهیلات لازم از قبیل زمین، ساختمان، وام و مصالح ساختمانی برای آن دسته از اعضاء هیئت علمی که فاقد مسکن می‌باشند
تبصره۴	دعوت به کار اعضاء هیئت علمی غیر ایرانی خارج از کشور (با اولویت مسلمان بودن)
تبصره ۴۷	توسعه دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا و تعامل با دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی کشورهای خارجی
تبصره ۴۸	مشارکت در هزینه‌های آموزش عالی از طریق تأسیس و اجرای دوره‌های شبانه و دوره‌های خاص

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸- ۱۳۷۴): برنامه دوم از نظر ساختار و ماهیت تفاوت چندانی با برنامه اول نداشت و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی بود. خط مشی کلان برنامه دوم توسعه عبارت از تعمیق معرفت دینی نظام ارزش اسلامی و رشد آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگ، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و استقلال‌طلبی در دانشگاه‌ها است.

جدول ۳- برنامه دوم توسعه و آموزش عالی

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
تبصره ۳۶	تهیه برنامه جامع تربیت نیروی انسانی در سطوح مختلف آموزش عالی در یک دوره ده ساله به منظور هماهنگی و تطبیق برنامه‌های اجرایی با نیازهای بازارکار
تبصره ۴۰	جذب نیروهای متخصص ایرانی خارج از کشور
تبصره ۸۷	تأسیس دوره‌های شبانه و دوره‌های خاص و اخذ هزینه‌های سرانه از دانشجویان دوره‌های یادشده
تبصره ۸۹	تسری تمام مزایا و تسهیلات اعضاء هیئت علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های تحقیقاتی به مؤسسه‌های تحقیقاتی و آموزشی وابسته به برخی از وزارتخانه‌ها و نهادها به منظور توسعه امور تحقیقاتی و استفاده بیشتر از خدمات اعضاء هیئت علمی و پژوهشی
تبصره ۹۰	استفاده از اعضاء هیئت علمی غیر ایرانی خارج از کشور و توسعه و تکمیل دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا
تبصره ۹۲	تشویق بخش غیردولتی به سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش عالی از طریق فراهم کردن تسهیلات بانکی در پرداخت وام به دانشجویان بخش غیردولتی
تبصره ۹۳	ابقاء دانشگاه پیام نور به عنوان دانشگاه دولتی و تأمین منابع مورد نیاز از طریق دریافت شهریه از دانشجویان و کمک‌های مردمی و بودجه عمومی دولت

برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹): برنامه سوم با رویکردی اصولی‌تر نوشته شد و هدف اصلی برنامه، توسعه پایدار بود. جهت‌گیری کلی برنامه سوم شامل اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی، خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت و تمرکززدایی از ساختار اداری و اقتصادی و تأمین حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی بود. آنچه از این برنامه به آموزش عالی مربوط می‌شود به شرح زیر است:

جدول ۴- برنامه سوم توسعه و آموزش عالی

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
ماده ۱۴۴	قابل قبول بودن هزینه‌هایی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی برای احداث، توسعه، تکمیل و تجهیز فضاهای آموزشی و کمک آموزشی دانشگاه‌ها صرف می‌شود، به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی و معافیت از عوارض و مالیاتِ نقل و انتقال، در مواردی‌که اشخاص یادشده اموال خود را به دانشگاه‌ها انتقال دهند
ماده ۱۵۲	پاسخگویی به تقاضا برای ورود به آموزش عالی، پذیرش دانشجو توسط دستگاه‌های اجرایی دارای واحد آموزش عالی، برگزاری دوره‌های شبانه، خاص، کمک به دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی، غیرانتفاعی، پیام نور، اعطاء تسهیلات برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه ایجاد و توسعه واحدهای آموزش عالی
ماده ۱۵۳	کمک دولت به صندوق‌های رفاه دانشجویان برای اعطاء تسهیلات رفاهی به دانشجویان
ماده ۱۵۴	اجازه تشکیل شرکت‌های دولتی خدمات علمی، تحقیقاتی و فنی به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به منظور استفاده از تخصص و توان فنی کادر علمی دانشگاه‌ها

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تمدید تا ۱۳۸۹

مهم‌ترین ویژگی برنامه چهارم، تهیه و تصویب آن در چارچوب سند چشم‌انداز بیست‌ساله و پس از ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه توسط رهبری بود. این برنامه در زمان ریاست جمهوری خاتمی تدوین شد، اما اجرای آن به دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد موکول شد که به دلیل اختلاف دیدگاه‌ها چندان اجرایی نشد. اهداف کلان این برنامه شامل مواردی چون رشد اقتصاد ملی در تعامل با اقتصاد جهانی، حفظ محیط زیست، توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی، صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی- ایرانی، تأمین امنیت ملی و نوسازی دولت و ارتقاء اثربخشی حاکمیت بود. آنچه از این برنامه به آموزش عالی مربوط می‌شود، در فصل چهارم این قانون تحت عنوان توسعه مبتنی بر دانایی آمده است.

جدول ۵- برنامه چهارم توسعه و آموزش عالی

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
ماده ۴۹	دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و پژوهشی دولتی و ... تنها براساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی و استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیئت‌های امنای مربوط، بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی، اداری، مالی و استخدامی اداره خواهند شد (استقلال‌طلبی دانشگاه‌ها). همچنین اعتبارات هزینه‌ای از محل بودجه عمومی دولت براساس قیمت تمام شده به دستگاه‌های اجرایی اختصاص می‌یابد. ارزیابی مستمر از دانشگاه‌ها، ایجاد قطب‌های علمی براساس مزیت‌های نسبی، بازنگری در رشته‌های دانشگاهی و تشکیل باشگاه غیردولتی برای صیانت از استعدادهای درخشان کشور نیز ذیل این اصل آمده است.
ماده ۵۰	پاسخگویی به تقاضای ورود به آموزش عالی از طریق تنوع‌بخشی به شیوه‌های ارائه آموزش عالی به منظور دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی و ارتقاء پوشش جمعیت دانشجو به ۳۰ درصد، تأمین اعتبار لازم برای حمایت از دانشجویان دانشگاه‌های غیردولتی، غیرانتفاعی و دانشجویان شهریه‌پردازی که امکان پرداخت

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
	شهریه را ندارند، کمک به تأمین هزینه تحصیل ایثارگران و خانوده‌های آنها، ارائه تسهیلات بانکی یا ... برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه ایجاد و توسعه واحدهای آموزش عالی. تهیه برنامه ویژه برای ارتقاء توانمندی دانشگاه‌های مادر و مهم دولتی کشور در زمینه‌های آموزشی و پژوهشی و انجام مطالعه و بررسی برای جلوگیری از خروج بی‌رویه سرمایه‌های انسانی، فکری، علمی و فنی کشور
ماده ۵۱	بند (الف) ماده (۱۵۴) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۴۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹.۱.۱۷ و اصلاحیه‌های آن برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) تمدید تا ۱۳۹۵: این قانون در سال ۱۳۸۹ و در زمان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد تدوین شد. فصل دوم این قانون تحت عنوان علم و فناوری به آموزش عالی مربوط می‌شود.

جدول ۶- برنامه پنجم توسعه و آموزش عالی

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
ماده ۱۵	به منظور تحول بنیادین در آموزش عالی به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی، تحقق جنبش نرم‌افزاری و تعمیق مبانی اعتقادی، ارزش‌های اسلامی و اخلاق حرفه‌ای و با هدف ارتقاء کیفی در حوزه دانش و تربیت اسلامی، وزارتخانه‌های علوم و بهداشت مکلفند اقدامات زیر را انجام دهند: الف. بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی- ایرانی و انقلابی و تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری، با اولویت نیاز بازارکار. ب. تدوین و ارتقاء شاخص‌های کیفی به‌خصوص در رشته‌های علوم انسانی به‌ویژه در رشته‌های علوم قرآن و عترت و مطالعات میان رشته‌ای با بهره‌گیری از امکانات و توانمندی‌های حوزه‌های علمیه و تأمین آموزش‌های مورد نیاز متناسب با نقش دختران و پسران. ج - نهادینه کردن تجارب علمی و عملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با انجام فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و نظریه‌پردازی در حوزه‌های مرتبط. د- ارتباط با حوزه‌های علمیه و بهره‌مندی از ظرفیت‌های حوزه در عرصه‌های مختلف.
ماده ۱۶	دولت مجاز است به منظور دستیابی به جایگاه دوم علمی و فناوری در منطقه و تثبیت آن تا پایان برنامه پنجم، اقدامات زیر را انجام دهد: الف. بازنگری آیین‌نامه ارتقاء اعضاء هیئت علمی به نحوی که تا پنجاه درصد امتیازات پژوهشی اعضاء هیئت علمی معطوف به رفع مشکلات کشور باشد. ب. ایجاد ظرفیت لازم برای افزایش درصد پذیرفته‌شدگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی آموزش عالی، با ارتقاء کیفیت به گونه‌ای که میزان افزایش ورود دانش‌آموختگان دوره کارشناسی به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به بیست درصد برسد. ج. برنامه‌ریزی و حمایت لازم برای تأمین هیئت علمی مورد نیاز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی به منظور ارتقاء شاخص نسبت عضو هیئت علمی تمام‌وقت به دانشجو در تمامی دانشگاه‌ها اعم از دولتی و غیردولتی به گونه‌ای که تا پایان برنامه نسبت کل دانشجو به هیئت علمی تمام وقت در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی به حداکثر چهل و در دانشگاه پیام نور به حداکثر دویست و پنجاه برسد.

برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶) تمدید تا ۱۴۰۲: برنامه ششم توسعه در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی تدوین شد. سیاست‌های کلی برنامه ششم شامل امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، دفاعی و امنیتی، سیاست خارجی، علم و فناوری و نوآوری و امور حقوقی و قضایی می‌شود. در برنامه ششم توسعه هدف قانون‌گذار افزایش مهارت و تخصص نیروی کار و توسعه کمّی و کیفی این آموزش‌ها بوده است.

جدول ۷- برنامه ششم توسعه و آموزش عالی

بند / ماده	موارد مرتبط با آموزش عالی در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
ماده ۴	اولویت اقتصادی در سیاست خارجی کشور با هدف جذب دانش و نوآوری از کشورهای صاحب فناوری ... اعزام نیروی کار، جذب اساتید و متخصصان برای آموزش و انتقال فناوری برای نیروهای ایرانی... افزایش مهارت و تخصص نیروی کار به ویژه فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها و هنرستان‌ها تا مقطع کارشناسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با ارائه آموزش‌های مهارتی، تخصصی و فنی و حرفه‌ای با استفاده از ظرفیت‌های خدمت زیر پرچم و کارورزی دانشجویان.
ماده ۶۴	به‌منظور تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، افزایش بهره‌وری، تنظیم رابطه متقابل تحصیل و اشتغال، گسترش همکاری و تعاملات فعال بین‌المللی و افزایش نقش مردم در مدیریت علمی و فناوری کشور: الف. به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به ایجاد واحدها و شعب آموزش عالی با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در داخل کشور در چارچوب سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نماید. ب. کلیه دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ...مکلفند علاوه بر اعتبارات پژوهشی یک درصد از اعتبارات تخصیص‌یافته هزینه‌ای را برای امور پژوهشی و توسعه فناوری هزینه کنند. تبصره۲. دولت نسبت به تحول و ارتقاء علوم انسانی در دانشگاه‌ها در ابعاد اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، کارآمدی و روزآمدی با ایجاد تغییرات یا اصلاحات در امور مربوط به سرفصل‌ها و کتاب‌های درسی و تربیت استاد و انتخاب دانشجو اهتمام بورزد. حمایت مالی از پژوهش‌های تقاضامحور و حرکت در جهت تحقق توسعه فرهنگی، علمی، فناوری و آموزشی و تسهیل اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و تجهیز دانشگاه پیام نور از جمله تلاش‌های سازمان‌های ذی‌ربط باشد.
ماده ۶۵، بند ب	دولت موظف است به منظور افزایش سهم آموزش‌های مهارتی در نظام آموزشی کشور نسبت به افزایش سهم دانشگاه فنی و حرفه‌ای و دانشگاه جامع علمی‌کاربردی در نظام آموزشی کشور اقدام و تجهیزات هنرستان‌ها، آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی و حرفه‌ای را به روز کند.
ماده ۶۶	دولت موظف است در طول برنامه این اعداد را اجرایی کند: سهم دانشجویان کاردانی به کل دانشجویان از ۱۹ درصد در سال اول به ۲۳ درصد در سال پایانی برنامه برسد. سهم دانشجویان فنی و حرفه‌ای آموزش عالی از ۲۰ درصد در سال اول به ۳۰ درصد در سال پایانی برنامه برسد. اشتغال به تحصیل ۹۸ هزار و ۷۸۶ دانشجوی کاردانی اشتغال به تحصیل ۵۲ هزار و ۴۳۲ دانشجوی کارشناسی اشتغال به تحصیل ۳۷ هزار و ۸۳ دانشجوی نوبت دوم و مجازی افزایش ۱۰ درصدی متقاضیان تحصیل در مراکز علمی‌کاربردی

منبع جداول: «سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی»

۴-۲-۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان نهادی در بدنه نظام حاکمیتیِ ایران در سال ۱۳۶۳ با توجه به مقتضیات زمان به فرمان امام‌خمینی و برای کمک و مشورت به سایر قوا به ویژه قوه مجریه در امور فرهنگی و دانشگاهی و در جهت تعیین خط مشی کلّی فرهنگی کشور تأسیس شد (رمضانپور بلوچی و ابراهیمیان، ۱۴۰۱: ۷۷). این شورا به عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است.[1] از جمله اهداف این شورا که مرتبط با آموزش عالی است، می‌توان موارد زیر را برشمرد:

تزکیه محیط‌های علمی و فرهنگی از افکار مادی و نفی مظاهر و آثار غربزدگی از فضای فرهنگی جامعه.

تحول دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز فرهنگی و هنری براساس فرهنگ صحیح اسلامی، گسترش و تقویت هر چه بیشتر آنها برای تربیت متخصصان متعهد، اسلام‌شناسان متخصص، مغزهای متفکر و وطن‌خواه، استادان، مربیان و معلمان معتقد به اسلام و استقلال کشور.

تعمیم سواد، تقویت و بسط روح تفکر و علم‌آموزی و تحقیق و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری برای نیل به استقلال علمی و فرهنگی.[2]

۴-۳ مؤلفه‌های اجرایی در سیاست‌گذاری آموزش عالی

پس از مرحله تدوین و طراحی سیاست‌ها که با سندی نوشته شده و قانونی مکتوب به انجام می‌رسد، نوبت به اجرای این سیاست‌ها می‌رسد. هر چند در طراحی ممکن است به برنامه‌های بلندپروازانه و اهداف آرمانی پرداخته شده باشد، در مرحله اجرا با دنیای واقعی و مسائل و محدودیت‌های برخاسته از آن سروکار خواهیم داشت. هرچه در مرحله طراحی واقع‌بین‌تر بوده و سیاست‌های معقول و مطابق با توان تدوین شده باشد، در مرحله اجرا با کامیابی بیشتری روبه‌رو خواهیم بود. کیفیت در قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای آن تا حدود زیادی تعیین‌کننده کیفیت در پیاده‌سازی برنامه‌های آموزشی است (ساعدموچشی و عزیزی، ۱۳۹۹: ۱۷۰).

در این مرحله کارایی و کیفیت نیروی انسانی، زیرساخت‌ها، تکنولوژی و بودجه، تعیین‌کننده قابل اجرا بودن یا نبودن طرح‌ها و سیاست‌های تدوین شده و میزان موفقیت آنها خواهد بود.

آموزش عالی در دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی

این دوره که مصادف با دوره جنگ تحمیلی می‌باشد، به طور طبیعی اولویت نخست کشور، حفظ

1– http:// rc.majlis.ir
2– http:// rc.majlis.ir

تمامیت ارضی و تأمین امنیت کشور بوده و آموزش عالی در اولویت‌های بعد قرار گرفت. پس از بازگشایی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۶۲، ستاد عالی انقلاب فرهنگی امر برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش عالی را به‌عهده گرفت. در فضای آن دوره، تخصص و تجربه تحت‌الشعاع ارزش‌های ایدئولوژیک و سیاسی قرار گرفت و به نهادها، سازوکارها و روش‌های علمی و تخصصی در اداره کشور کمتر بها داده می‌شد. در این دوره بیشترین تمرکز بر برنامه‌ریزی درسی علوم انسانی و اسلامی شدن این علوم بود. افزون بر اسلامی کردن دانشگاه‌ها، عدالت در آموزش عالی نیز به عنوان یک هدف پیگیری شد. علاوه بر لزوم برقراری عدالت طبیعی که بر عدم تمرکز آموزش عالی در تهران و شهرهای بزرگ و نیز عدم محرومیت طبقات پایین و روستاییان از آموزش عالی تأکید می‌کرد، عدالت توزیعی در دستور کار دولت و نهادهای انقلابی قرار گرفت (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۵۹۱-۵۷۹).

غلبه تفکر مساوات‌گرایانه و عدالت توزیعی در نظام سیاست‌گذاری به وضع سهمیه‌های پذیرش دانشگاه‌ها به منظور دستیابی به نوعی توازن و برابری فرصت دسترسی به آموزش عالی برای افراد جامعه منجر شد. در واقع سعی شد برابری آموزشی با الگوی عدالت توزیعی دنبال شود که براساس آن دولت می‌بایست با برنامه‌ریزی متمرکز به تقسیم امکانات در بخش‌های محروم بپردازد. ایجاد و گسترش مراکز آموزش عالی در مراکز شهری، بخش‌های محروم یا شهرهای مجاور آنان به منظور تربیت نیروی انسانی مورد نیاز هر منطقه و همچنین افزایش سهمیه بخش‌های محروم در پذیرش دانشگاه‌ها از اهداف این دوره بوده است (عباسی و شیره‌پز آرانی، ۱۳۹۰: ۵).

به طور کلی، آموزش عالی در دوره پس از انقلاب اسلامی از سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی که متأثر از فضای چپ‌گرایی آن دوران بود، پیروی می‌کرد. فضایی که به سرمایه‌داری و فعالیت بخش خصوصی و بازار بدگمان بوده و خواهان مداخله هرچه بیشتر دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و کوتاه کردن دست بخش خصوصیِ سودجو و منفعت‌طلب بود. با این نگاه، سلطه دولت بر بخش آموزش کشور برای برقراری عدالت آموزشی نیز توجیه می‌شد. با این حال در سال ۱۳۶۱ «دانشگاه آزاد اسلامی» نیز توسط بخشی از نخبگان سیاسی حاکم پایه‌گذاری شد.

۲-۳-۴ آموزش عالی در دوران هاشمی رفسنجانی

با پایان یافتن جنگ و گذشت یک دهه از پیروزی انقلاب و فروکش کردن تب و تاب انقلابی، به تدریج هم فضای سیاسی ایران به واقع‌گرایی نزدیک‌تر می‌شد و هم امکان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و تخصیص بودجه برای آموزش‌عالی فراهم می‌گردید. اکنون نخبگان فرصت یافتند تا برنامه کلان توسعه و پیشرفت، موسوم به برنامه اول توسعه را برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تدوین کنند. انتخاب هاشمی رفسنجانیِ عملگرا به ریاست‌جمهوری نیز در این امر تأثیر بسزایی داشت. دانشگاه آزاد اسلامی که پایه‌گذاری آن نخستین بار توسط هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران در سال ۱۳۶۱ مطرح گردید، در دوران ریاست‌جمهوری وی توسعه یافت. در واقع آموزش

عالی نیز در این دوره تحت سیاست‌های کلی دولت مبنی بر خصوصی‌سازی قرار داشت.

البته آموزش عالی در این دوره، در کشاکش دیدگاه‌های متعارض سیاسی با مشکلاتی مواجه بود، لذا بحث‌هایی همچون استقلال دانشگاه، تمرکززدایی و نیز ارتباط آموزش عالی با جامعه و صنعت مطرح شد که به دلیل اختلاف دیدگاه‌ها چندان موفق نبودند. هیئت‌های امنا در شکل ضعیفی به رسمیت شناخته شدند. گسترش کمّی آموزش‌عالی، شروع به کار دانشگاه آزاد اسلامی و گسترش دانشگاه پیام نور و تا حدی دانشگاه علمی‌کاربردی با نرخ رشد پرشتاب از آثار این دوره هستند. اما بیشتر شاخص‌های کیفی، وضع مطلوبی ندارند و از همه مهم‌تر اینکه به دلیل اختلافات سیاسی در کشور، هنوز خط مشی توسعه دانشگاه در تراز جهانی و تعامل رضایت‌بخش بین‌المللی ثبات و پایداری مؤثری نیافته است. همچنین مدیریت دانشگاه‌ها همچنان سیاسی و ایدئولوژیک بود (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۷۲۷). یکی از نکاتی که در رابطه با آموزش عالی در دوره پس از جنگ باید به آن توجه داشت، برقرار شدن سهمیه‌های آموزشی برای تسهیل ورود ایثارگران و خانواده‌های آنها به دانشگاه بود. امری که با گذشت بیش از چهل سال نه تنها کاهش نیافته بلکه ابعاد گسترده‌تری یافته است.

۳-۳-۴ آموزش عالی در دوران خاتمی

با تحولاتی که در دوره هاشمی رفسنجانی به وقوع پیوست از جمله افزایش شهرنشینی، رشد طبقه متوسط، افزایش تعداد دانشجویان و آزادی بیشتر در حوزه‌های فکری و مطبوعات نسبت به یک دهه قبل، زمینه برای ظهور اصلاحات و روی کار آمدن سیدمحمد خاتمی فراهم گردید (دلفروز، ۱۳۹۹: ۲۵۴). از دستاوردهای مهم دوره اصلاحات در دانشگاه‌ها، فعال شدن تشکل‌ها، نهادها، گروه‌ها و جنبش‌های دانشجویی و شنیده شدن صدای دانشگاهیان بود. می‌توان گفت بهترین دوران برای فعالیت‌های دانشجویی دوران ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی بوده است. در واقع فعال شدن جامعه مدنی دانشگاه‌ها در این دوره همسو با فعال شدن جامعه مدنی در سراسر ایران بود.

از جمله سیاست‌های اجرا شده در دوره خاتمی می‌توان به مواردی همچون افزایش دسترسی به آموزش عالی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه علمی‌کاربردی و به طور کلی افزایش تعداد دانشجویان، تنوع‌بخشی به نظام‌های عرضه آموزش عالی و توسعه مراودات و همکاری‌های علمی بین‌المللی و حضور مؤثر در صحنه‌های علمی جهانی همسو با رویکرد خاتمی به تعامل با دنیا، افزایش سهم اعتبارات آموزش عالی از محل بودجه عمومی دولت و تولید ناخالص داخلی، توسعه زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و استفاده از اینترنت و فناوری‌های نوین در بهبود شیوه‌های آموزش، توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی، افزایش مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های پژوهش و فناوری، توسعه پارک‌ها و مراکز رشد علوم و فناوری و توسعه نهادهای علمی و پژوهشی اشاره کرد.[1] تصویب بند الف ماده ۴۹ در برنامه چهارم توسعه و توجه به استقلال دانشگاه‌ها

1- www.mehrnews.com

و تفویض اختیارات از جمله نقاط عطف این دوره است. حاکم شدن تدریجی سیستم مدیریت غیرمتمرکز، به‌وجود آمدن گشایش‌های سیاسی در فضاهای دانشگاهی و بازسازی هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها از مهم‌ترین عوامل سیاسی مؤثر در تحولات این دوره است. در این دوره به سبب تقاضای روزافزون اجتماعی دوره‌های نوبت دوم یا شبانه راه‌اندازی شدند (سهرابی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۷).

۴-۳-۴ آموزش عالی در دوران احمدی‌نژاد

پس از سپری شدن دوره موسوم به اصلاحات، شاهد بازگشت به نوعی از اصولگرایی رادیکال در دوره محمود احمدی‌نژاد هستیم. تکثرگرایی، دموکراسی و جامعه مدنی در این دوره در جامعه و به دنبال آن در دانشگاه‌ها به حاشیه رانده شد و بار دیگر بحث‌های عدالت‌خواهانه و مساوات‌طلبانه به میان آمد. در واقع احمدی‌نژاد با تکیه بر جذابیت همین شعارها روی کار آمده بود و آموزش عالی کشور نیز به پیروی از سیاست‌های کلی این دولت بر محورهای عدالت‌خواهی و اسلامی‌سازی حرکت می‌کرد. در این دوره سهمیه‌هایی که از اول انقلاب به خانواده‌های ایثارگران داده می‌شد و جنبه اقتصادی، حمایتی و آموزشی داشت، وسعت یافته و به شکل سهمیه‌های استخدامی درآمد و ایجاد تسهیلات آموزشی برای جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنها افزایش یافت (ولی زاده، ۱۴۰۱: ۸۲).

به لحاظ توسعه سیاست‌های کمیّ آموزش عالی، در این دوره رشد بی‌سابقه‌ای در تأسیس واحدهای دانشگاهی کوچک و در سطوح محلی به ویژه دانشگاه پیام نور را شاهد بودیم. رشد کمیّ و بی‌رویه دانشگاه‌های کشور در دولت نهم و دهم بدون آینده‌پژوهی دقیق و تأمین زیرساخت‌های لازم صورت گرفت، به گونه‌ای که تعداد مراکز دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم با رشد دو برابری از ۱۳۰۰ مرکز در سال ۱۳۸۴ به ۲۵۰۴ مرکز در پایان دوره دولت دهم افزایش یافت و همچنین تعداد دانشجویان کشور از دو میلیون و ۴۰۰ هزار با افزایش بیش از دو برابری به بیش از چهار میلیون و نیم در سال ۹۲ رسید.[1]

این دوره محدودیت‌های زیادی را نیز شاهد بود. از جمله این محدودیت‌ها ناکافی بودن سهم آموزش عالی از اعتبارات عمومی، کافی نبودن امکانات نظام آموزش عالی برای حفظ و جذب نخبگان، کمبود اعضاء هیئت علمی و الزام اشتغال بیش ازحد آنان به تدریس، نبود نظام جامع نظارت، ارزیابی و اعتبارگذاری در عرصه آموزش عالی، کافی نبودن پویایی در نظام آموزش عالی برای پاسخگویی متناسب با نیازهای جامعه،کم توجهی به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در نظام آموزشی، کافی نبودن ارتباطات دانشگاه‌ها با مؤسسه‌های تحقیقاتی، فقدان جهت‌گیری‌های مرتبط با آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی‌های توسعه آموزش عالی است (ساعدموچشی و همکار، ۱۳۹۹: ۱۷۲).

1- http: www.isna.ir

۵-۳-۴ آموزش عالی در زمان روحانی

حسن روحانی که با حمایت اصلاح‌طلبان و کارگزاران سازندگی توانست به ریاست‌جمهوری نایل شود، مشی دولت اصلاحات را در سیاست‌های کلان و نیز در مورد آموزش عالی درپیش‌گرفت. در این دوره که تنش‌زدایی و گسترش ارتباطات بین‌المللی در دستورکار بود، آموزش عالی نیز می‌توانست در سایه ارتباط با دنیا رشد و گسترش یابد. استقلال دانشگاه‌ها و آزادی علمی افزایش یافته و شاهد رشد و بالندگی جنبش‌های دانشجویی باشیم. اما پس از روی کار آمدن ترامپ و مخالفت‌های داخلی با برجام، بسیاری از سیاست‌های روحانی از جمله در حوزه آموزش عالی نیز با چالش روبه‌رو شد. شروع تحریم‌های گسترده و پایین آمدن سطح اقتصادی و وضع معیشتی مردم و درگرفتن اعتراضات سال‌های ۹۶ و ۹۸، توان دولت را در اجرایی ساختن برنامه‌ها و سیاست‌های خود تحلیل برد و سیاست‌های آموزشی در حاشیه قرار گرفت (ولی‌زاده، ۱۴۰۱: ۸۵). اما با وجود این، همچنان شاهد افزایش تعداد دانشجویان داخلی و همچنین جذب دانشجویان خارجی بوده‌ایم. تسهیل فرایند جذب دانشجویان خارجی و وجهه صلح‌طلبانه دولت از دلایل افزایش تعداد دانشجویان خارجی در این دوره بوده است. علاوه بر این، افزایش شنیده شدن صدای دانشگاهیان و بازگشت عده‌ای از دانشجویان ستاره‌دار به تحصیل از دستاوردهای این دوره بوده است. مباحثی مانند دانشگاه‌های کارآفرین و بین‌المللی‌سازی دانشگاه‌ها در این دوره بیش از گذشته مطرح شدند (سهرابی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۹۸).

جدول ۸- سیاست‌های دولت‌ها در ارتباط با اداره دانشگاه

دوره‌های مختلف پس از انقلاب	سیاست‌های دولت‌ها در ارتباط با اداره دانشگاه
دوره ۱۳۶۸-۱۳۵۷	سیاست تمرکزگرایی با نگاهی به پیاده‌سازی تفکر اسلامی‌سازی
دوره ۱۳۷۶-۱۳۶۸	سیاست کمیّ‌گرایی با نگاهی به ایفاء نقش دانشگاه در جامعه
دوره ۱۳۸۴-۱۳۷۶	سیاست بازگرداندن استقلال به دانشگاه با نگاهی به احیاء دوباره آن
دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴	سیاست بازگشت به تمرکزگرایی با نگاهی به افزایش رشد کمیّ
دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۲	تلاش در جهت احیاء دوباره نهاد دانشگاه در جامعه با نگاهی به تمرکززدایی

منبع: سهرابی و همکاران (۱۴۰۰)

۶-۳-۴ نیروی انسانی، بودجه و تکنولوژی

برای موفقیت در اجرای سیاست‌ها، بایستی شرایط و محیط مناسب و منابع و ابزار کافی در اختیار مجریان سیاست‌ها قرار داشته باشد. موفق بودن اجرائیات به عوامل زیادی بستگی دارد. از جمله:

- وجود برنامه‌ای که مبتنی بر یک نظریه منطقی و مربوط به تغییر رفتار گروه هدف و در جهت تحقق اهداف باشد.
- وجود یک قانون که متضمن دستورالعمل‌های صریح سیاستی و بدون ابهام باشد و به منظور

بهبود عملکرد گروه‌های مورد نظر، فرایند اجرا را سازمان بخشد.

- مقامات دستگاه‌های اجرایی از مهارت سیاستی و مدیریتی خاصی برخوردار بوده و به اهداف قانونی نیز متعهد باشند.
- وجود برنامه‌ای که به طور جدی از سوی برخی قانون‌گذاران اصلی (یا رئیس قوه مجریه) و نیز دادگاه‌های حامی یا بی‌طرف حمایت شود.
- وجود اولویت نسبی در اهداف قانونی (ساباستیر و مازمانیان، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نهاد مجری سیاست‌های آموزش عالی است که باید تصمیمات و برنامه‌های تدوین شده در قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، برنامه‌های توسعه و نیز سند چشم‌انداز را اجرایی کند. تعدد این اسناد و برنامه‌ها و گاهی عدم هماهنگی آنها، وزارت علوم را در حوزه اجرا با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند. گذشته از این، این نهاد در زمینه نیروی انسانی، بودجه و فناوری با کمبودها و کاستی‌هایی مواجه است که شکاف بین حوزه طراحی سیاست‌ها و اجرای آن را بیشتر می‌کند.

الف) بودجه

یکی از شروط اساسی در اجرای موفق یک سیاست بحث بودجه اختصاص یافته به آن است. در واقع بودجه دولت مرکز ثقل سیاست‌گذاری عمومی و دورنمای توسعه یک کشور است (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۰: ۴۰). با توجه به اینکه بودجه به عنوان بیان مالی دولت، مهم‌ترین سند دولتی است که دستگاه‌های اجرایی را در دستیابی به اهداف چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه کشور و انجام بهینه وظایف خود یاری می‌رساند، نقش قابل توجهی در توسعه کشور به‌عهده دارد (مقیمی، پورعزت، دانایی‌فرد و احمدی ، ۱۳۹۵: ۳۲). در حال حاضر بیشتر بودجه دانشگاه‌ها به امور جانبی از جمله پرداخت حقوق اساتید و کارکنان دانشگاه، امور رفاهی از جمله تهیه غذای دانشجویی، امور خوابگاهی و حمل و نقل دانشجویان و مانند آن اختصاص می‌یابد و تنها درصد ناچیزی صرف آموزش و پژوهش و تجهیز کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌های علمی می‌شود. مقدار بودجه اختصاص یافته به بخش پژوهش و فناوری در کشور بسیار ناچیز بوده و پاسخگوی نیازهای علمی کشور نیست. هر چند آمارها از افزایش میزان اعتبارات اختصاص یافته به بخش آموزش عالی در چند سال اخیر حکایت دارد، اما این میزان افزایش در مواجهه با تورم بی‌سابقه، تأثیر چندانی نخواهد داشت. معاون مالی و اداری وزارت علوم در این باره گفته است: «۹۴ درصد از کل بودجه سهم حقوق و دستمزد است، ۳ درصد هزینه‌ها پژوهشی و اعتباری است که صرف پژوهش می‌شود، ۲ درصد نیز هزینه‌های دانشجویی است... ما با آموزش‌وپرورش شدن فقط ۳ درصد فاصله داریم.»[1]

1- http://www.entekhab.ir

در برنامه‌های توسعه نیز ما شاهد عدم تطابق تخصیص بودجه با برنامه‌های توسعه بوده‌ایم. به این معنا که مدوّنان بودجه‌های سالانه، به طور دقیق مشخص نمی‌کردند که کلیات و ردیف‌های بودجه پوشش‌دهنده کدامیک از مفاد برنامه‌های پنج‌ساله بخش‌های مختلف است. اجرای برنامه توسعه آموزش عالی مستلزم ایجاد پیوند صحیح بین برنامه و بودجه است. برنامه پنج‌ساله آموزش عالی، هم بایستی با برنامه‌های کلان و بلندمدت هماهنگ باشد و هم با برنامه‌های یک‌ساله که همان بودجه است. تبدیل برنامه میان‌مدت توسعه آموزش عالی به بودجه‌های سالانه، یک مرحله مهم در فرایند برنامه‌ریزی است تا مواردی که در برنامه آمده است، برحسب بودجه مشخص شود و نظارت بر اجرا و مخارج برنامه میسر گردد. رعایت نشدن این اصل نیز یکی از علل ناکامی برنامه‌های آموزش عالی ایران پس از انقلاب است (روشن و همکار، ۱۳۹۹: ۱۶).

ب) نیروی انسانی

نگاهی به آمار نیروی انسانی در دانشگاه‌ها از جمله اساتید و کارمندان دانشگاه و نسبت آنها به تعداد دانشجویان بیانگر شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب است. به گونه‌ای که شاهد تورم نیروی انسانی کارمند در دانشگاه‌ها و کمبود اعضاء هیئت علمی هستیم. به عنوان مثال دانشگاه آزاد اسلامی حدود ۲۶ هزار و ۸۰۰ کارمند دارد. در حال حاضر نسبت کارمند به تعداد دانشجوی دانشگاه، یک به ۵۰ در کل کشور است؛ اما مشکلی که وجود دارد، عدم توازن مناسب در سطح واحدها و استان‌ها است. حتی در برخی از موارد یک به ۱۵ و یک به ۱۹ نسبت کارمند و دانشجو نیز وجود دارد.[1] دانشگاه پیام نور نیز نزدیک به ۳ هزار و ۶۰۰ عضو هیئت علمی در سطح کشور و حدود ۹ هزار نفر کارمند دارد.

در حالی که در برنامه ششم توسعه کشور تأکید شده بود که نسبت دانشجویان به اعضاء هیئت علمی تمام‌وقت دانشگاه‌های وزارت علوم باید تا پایان سال۱۴۰۰ به عدد ۲۰ برسد، بررسی آماری وضعیت دانشگاه‌های کشور در این زمینه بیانگر این موضوع است که دانشگاه‌های ما نه تنها به این شاخص دست نیافتند، بلکه تا رسیدن به اهداف این برنامه فاصله جدی دارند. به طوری‌که این نسبت در دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم ۲۵ به ۱، در دانشگاه پیام نور ۱۲۵ به ۱، دانشگاه فرهنگیان ۱۰۰ به ۱، دانشگاه فنی و حرفه‌ای حدود ۲۵۰ به ۱، دانشگاه آزاد حدود ۳۲ به ۱ و در مؤسسات غیرانتفاعی حدود ۹۱ به ۱ است. می‌توان گفت این نسبت، از ساختار، نوع حکمرانی و مأموریت‌های آموزش عالی تأثیر گرفته است.

در حالی که براساس تجارب بین‌المللی میانگین نسبت دانشجو به هیئت علمی در مؤسسات آموزش عالی عمومی ۱۵، خصوصی ۱۷ و در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی ۲۵ و در مهندسی و

1- http:// farhikhtegandaily.com

کشاورزی ۱۴ است. با توجه به این که کیفیت آموزش عالی حاصل مجموعه‌ای از عوامل متعدد از جمله میزان تناسب استاد و دانشجو در کلاس‌های درس است، چرا که این شاخص نشان‌دهنده میزان تعامل بین استاد و دانشجو و دریافت بازخورد از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی می‌باشد، بایستی برای رسیدن به وضعیت مطلوب تلاش شود.[1]

ج) فناوری

کاربرد فناوری‌های جدید آموزشی در جهان معاصر با سرعت فزاینده‌ای در حال گسترش است. از دهه پایانی قرن بیستم در بیشتر نقاط جهان جهش قابل توجهی در کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی به‌وجود آمد (ابراهیمی و ضرابیان،۱۳۹۷: ۲). امروزه بیشتر جوامع سعی می‌کنند همگام با دیگر نهادهای جامعه از وسایل، مواد، تکنولوژی جدید و نوآوری‌های آموزشی به منظور افزایش بازدهی و کنترل سرمایه‌های انسانی و پاسخگویی به نیازهای جامعه استفاده کنند (شیخی و غلامی هره‌دشتی، ۱۳۹۳: ۵۰). همان‌طور که ابزارهای دیجیتالی دنیای اطراف ما را تغییر داده‌اند، این تغییر و تکنولوژی و کاربرد آن در کلاس‌های آموزش عالی نیز امری بدیهی است. این فناوری‌ها نه تنها شیوه‌های آموزش حضوری در دانشگاه‌ها را متنوع ساخته بلکه حوزه‌های آن را به خارج از کلاس‌های فیزیکی توسعه داده و محیط‌های یادگیری جدیدی را به‌وجود آورده است. محتوای آموزشی از طریق نرم‌افزار مدیریت آموزشی، منابع جدید رسانه‌ای، اینترنت، ویدئو کنفرانس و کلاس‌های مجازی به دانشجو ارائه می‌شود. رسالت اصلی این نوع آموزش به جای انتقال اطلاعات، پرورش مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی، مهارت مدیریت اطلاعات، قدرت برقراری ارتباط و مذاکره در دانشجویان است (فرج اللهی و ظریف صنایعی، ۱۳۸۸: ۱۶۷). همچنین ایجاد محیط آموزش و یادگیری بهبودیافته به طوری که این محیط بهبودیافته بتواند بازده آموزشی را برای فراگیران افزایش دهد، از اهداف تکنولوژی آموزشی است. با حضور تکنولوژی آموزشی در عرصه آموزش ثابت شده است که میزان مشارکت و همکاری فراگیران در کلاس به طرز قابل توجهی افزایش می‌یابد.

در حال حاضر دانشگاه‌های ما به لحاظ تکنولوژی و فناوری چندان پیشرفته نبوده و امکانات آموزشی مدرن را در اختیار ندارند. روش‌های تدریس معمولاً قدیمی بوده و ابزارها و تکنولوژی مدرن در کلاس‌ها، کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌های دانشگاه‌های کشور ضعیف بوده و معدود امکاناتی هم که وجود دارد به چند دانشگاه برتر و دولتی اختصاص دارد.

۴-۴ خروجی‌های سیستم سیاست‌گذاری آموزش عالی

خروجی‌های یک سیستم بروندادهای طراحی و اجرا هستند. داده‌های سیستم پس از عبور از فرایند

1- http:// www.isna.ir

سیاست‌گذاری به صورت ستاده از سیستم خارج می‌شوند (قراخانی بهار، ۱۳۹۷: ۱۴۵) وجود تعادل و توازن بین ورودی‌ها و خروجی‌های یک سیستم، سبب کارآمدی آن می‌شود.

در زمینه خروجی سیستم آموزش عالی می‌توان گفت رشد و گسترش تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور و ایجاد واحدهای دانشگاهی در مناطق دوردست و محروم، آموزش از راه دور، ایجاد دانشگاه‌های بین‌المللی، افزایش تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی، افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده، تأمین نیروی انسانی متخصص و بالا بردن سطح آگاهی و دانش در جامعه از دستاوردهای مثبت آموزش عالی در ایران بوده است.

از طرفی وجود شمار زیاد بیکاران تحصیل‌کرده دانشگاهی، میزان بالای مهاجرت جوانان و نخبگان دانشگاهی و عدم تناسب خروجی‌های دانشگاه با بازارکار و جایگاه پایین دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی، نشان از ناموفق بودن سیاست‌های آموزش عالی ما دارد. در رتبه‌بندی کیو اس ۲۰۲۴ که تعداد ۱۴۹۷ دانشگاه از سراسر جهان مورد ارزیابی قرار گرفتند، تنها هفت دانشگاه ایران در این رتبه‌بندی حضور دارند. دانشگاه‌های صنعتی شریف با رتبه ۳۳۴، تهران با رتبه ۳۶۰، صنعتی امیرکبیر با رتبه ۳۷۵ و علم و صنعت ایران با رتبه ۴۵۱، به ترتیب رتبه اول تا چهارم را کسب کردند. همچنین دانشگاه‌های شیراز با رتبه ۶۹۰-۶۸۱، شهید بهشتی با رتبه ۱۰۰۰-۹۵۱ و فردوسی مشهد با رتبه ۱۲۰۰-۱۰۰۱ دیگر دانشگاه‌های حاضر در این رتبه‌بندی هستند.[1]

وضعیت دانشگاه‌های ایران در معیار مرجعیت علمی (Scientific Impact) براساس ویرایش ۲۰۲۳ رتبه‌بندی لایدن نیز نشان می‌دهد دانشگاه تهران با رتبه جهانی ۱۴۲، دانشگاه علوم پزشکی تهران ۲۴۷، دانشگاه تربیت مدرس ۳۲۸، دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۳۴۴، دانشگاه علم و صنعت ایران ۳۵۰، دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی ۴۱۳، دانشگاه صنعتی شریف ۴۲۳، دانشگاه فردوسی مشهد ۴۶۶، دانشگاه تبریز ۴۷۷، دانشگاه شیراز ۴۷۹ و دانشگاه صنعتی اصفهان ۴۸۶، تنها دانشگاه‌های کشورمان هستند که جزو ۵۰۰ دانشگاه برتر دنیا در معیار مرجعیت علمی قرار دارند و دانشگاه تهران تنها دانشگاه ایرانی حاضر در میان ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان از نظر مرجعیت علمی است.

دانشگاه تهران که جایگاه نخست دانشگاه‌ها را در کشور دارد، در جهان رتبه ۳۸۸، در آسیا رتبه ۵۹ و در خاورمیانه رتبه پنجم را دارا می‌باشد.[2]

خروجی‌های سیستم نشان‌دهنده این است که تا اهداف آرمانی درنظرگرفته شده برای آموزش عالی در برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز هنوز شکاف و فاصله زیادی وجود دارد.

۴-۵ ارزیابی سیستم سیاست‌گذاری آموزش عالی

ارزیابی سیاست‌ها فرایندی است که میزان کامیابی یا ناکامی سیاست‌ها را مورد سنجش قرار می‌دهد.

1- http:// www.isc.ac
2- http:// www.mardomsalari.ir

نکته قابل توجه در فرایند ارزیابی این است که فقط بعد از ارزیابی و بازخوردگیری سیاست‌ها است که می‌توان آن را اصلاح یا تعدیل کرد (نجیبی و خراسانی، ۱۴۰۱: ۹۲). تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها، اطلاعات مناسبی درباره قابلیت آن در دستیابی به اهداف خود در زمینه منافع عمومی در اختیار سیاست‌گذاران، مدیران و ذی‌نفعان عمومی قرار می‌دهد (Consemuller,2007).

در ارزیابی سیاست‌ها می‌توان نتیجه گرفت که سیستم سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران با مشکلات گوناگونی که نشان‌دهنده عدم تناسب بین رشد کمیّ و کیفی آموزش عالی می‌باشد، روبه‌رو است. این مشکلات ریشه در عوامل گوناگون دارد. از جمله آنها عدم استقلال دانشگاه‌ها و مداخله دولت در بخش آموزش عالی است. در واقع استقلال سازمانی و آزادی علمی در دانشگاه پس از انقلاب تحت‌الشعاع ملاحظات سیاسی قرار داشته و رویکرد و نگاه به دانشگاه، یک نگاه تردیدآمیز، بدبینانه و کنترل‌گرا بوده است (غفرانی، ۱۳۸۲: ۷).

افزون بر این می‌توان به نبود یک نهاد مرجع و مسئول در آموزش عالی و در مقابل تعدد مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری مثل مجلس، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی عتف و نیز نهادهای متناظر حاکمیتی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد. این در حالی است که ناکارآمدی و ناهماهنگی این نهادها با یکدیگر به عنوان یک مشکل جدی از سال‌ها پیش به عنوان دغدغه صاحب‌نظران مطرح بوده است (باقری‌مقدم و احمدی، ۱۳۹۷: ۶۸). تبیین نکردن شرح وظایف، حدود اختیارات و نحوه تعامل نهادهای سیاست‌گذار به صورت دقیق و شفاف از جمله آسیب‌های ساختاری نظام آموزش عالی است. همچنین پاسخگو نبودن برخی از نهادهای طراح مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و نگاه از بالا به پایین این نهاد به سایر نهادهای سیاست‌گذار و عدم تعامل سازنده بین آنها از دیگر مشکلات آموزش عالی است (رجایی، ۱۴۰۱: ۳۰ و ۲۸). به این ترتیب شفاف نبودن فرایندها و پاسخگو نبودن نهادهای مسئول در برابر ناکامی‌ها و شکست‌ها از پیامدهای نهادهای متعدد تصمیم‌گیری است (نفیسی، ۱۳۸۰: ۵). کارشناسان بر این باورند که این سیستم هم از مزایای تمرکزگرایی مانند سرعت عمل، وحدت رویه و عملکردِ طبق برنامه و سیاست‌ها محروم مانده است و هم از کاستی‌های عدم تمرکز همچون دوباره‌کاری، کندی و استفاده غیربهینه از منابع رنج می‌برد (غفرانی، ۱۳۸۲ : ۲).

عدم تناسب بین اهداف و واقعیات نیز ریشه بسیاری از مشکلات آموزش

عالـی در ایـران اسـت. در بسـیاری از سیاسـت‌ها و برنامه‌هـای آمـوزش عالـی، آرزوهـا جـای اهـداف واقعـی را گرفته‌انـد. بـه ایـن دلیـل در اغلـب تجربه‌هـای برنامه‌ریـزی آموزشـی شـکافی عمیـق میـان انتظـارات اولیـه و نتایـج عملـی، به‌ویـژه در زمینـه اهـداف کیفـی برنامـه مشـاهده می‌شـود. افـزون بـر ایـن، ضعـف در نظـام ارزیابـی سیاسـت‌ها، نقـص در آمـار و اطلاعـات معتبـر (روشـن و همـکار، ۱۳۹۹: ۱۵-۷) و نیـز عـدم حضـور مؤثـر متخصصـان و صاحب‌نظـران و نهادهـای مدنـی مدافـع منافـع ذی‌نفعان آمـوزش عالـی در فرایند سیاسـت‌گذاری و تصمیم‌گیـری از دیگـر مشـکلات و چالش‌هـای آمـوزش عالـی در ایـران اسـت (نفیسـی، ۱۳۸۰: ۴).

۶-۴ راهکارهای سیاستی

بـا توجـه بـه یافته‌هـای مقالـه می‌تـوان بـه ارائـه راهکارهـای سیاسـتی بـه منظـور بهبـود کیفیـت آمـوزش عالـی پرداخـت.

جدول ۹- راهکارهای سیاستی

راهکارهای سیاستی در بخش ورودی	ـ فعال کردن حوزه عمومی و استفاده از صاحب‌نظران و متخصصان آموزشی، اساتید دانشگاه، دانشجویان و نهادهای مدافع منافع آنان در سیاست‌گذاری آموزشی
راهکارهای سیاستی در بخش طراحی	ـ تعریف شفاف و صریح اهداف و چشم‌اندازهای آموزش عالی و تدوین برنامه‌های واقع‌گرایانه، متناسب با امکانات و نیازهای جامعه ـ ایجاد یک نهاد مرجع و واحد، متشکل از نهادهای اصلی سیاست‌گذار در بخش آموزش عالی، به منظور جلوگیری از موازی‌کاری، تناقض و عدم هماهنگی سیاست‌ها و برنامه‌ها با یکدیگر و هدررفت منابع و همچنین پاسخگو بودن این نهادها در برابر نتایج حاصل از سیاست‌گذاری‌ها ـ توجه بیشتر به علم سیاست‌گذاری و بهره‌گیری از آن ـ تقویت بخش‌های غیردولتی و خصوصی ـ رقابتی کردن دانشگاه‌ها
راهکارهای سیاستی در بخش اجرا	ـ کاهش نقش تصدی‌گری دولت در آموزش عالی و حرکت به سمت تنظیم‌گری و تسهیل‌گری ـ درنظرگرفتن بودجه مناسب برای بخش آموزش عالی ـ ایجاد نهاد نظارتی قوی بر اجرای درست سیاست‌ها ـ ارتقاء سطح فناوری و تکنولوژی آموزشی در دانشگاه‌ها
راهکارهای سیاستی در بخش خروجی	ـ اعطاء آزادی سیاسی و استقلال علمی و اداری به دانشگاه‌ها ـ توجه به رشد کیفی دانشگاه‌ها همگام با رشد کمیّ آن ـ خروجی دانش نظری تولید شده در دانشگاه متناسب با نیازهای عملی جامعه ـ ارتباط و تعامل با دانشگاه‌ها و مراکز بین‌المللی و معتبر دنیا
راهکارهای سیاستی در بخش ارزیابی	ـ ایجاد نهادی برای ارزیابی دقیق سیاست‌ها و خروجی‌های سیستم سیاست‌گذاری ـ ایجاد نظام خودارزشیابی در دانشگاه‌ها

منبع: نویسندگان

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی کردیم چرخه سیاست‌گذاری آموزش عالی در ایران را تحلیل کرده و نقاط قوت و ضعف سیستم سیاست‌گذاری را در مراحل مختلف این چرخه از ورودی‌ها گرفته تا طراحی، اجرا، خروجی و ارزیابی سیاست‌ها مورد بررسی قرار دهیم. یافته‌های پژوهش به عنوان نتیجه‌گیری نهایی در جدول زیر خلاصه شده‌اند:

جدول ۱۰- نتیجه‌گیری

چرخه سیاست‌گذاری آموزش‌عالی	وضعیت / ارزیابی (قابل قبول)	وضعیت / ارزیابی (غیر قابل قبول)	راهکارهای سیاستی
ورودی (محیط پیرامونی)	ـ تأثیر افکار عمومی جامعه بر توسعه کمیّ دانشگاه‌ها	ـ عدم وجود مدخل‌های مناسب برای بیان نظرات اساتید، دانشجویان و متخصصان در سیاست‌های آموزشی به عنوان ذی‌نفعان اصلی ـ تأثیر نامطلوب بخش خصوصی و مؤسسات کنکور در رواج مدرک‌گرایی به جای علم‌گرایی	ـ به‌کارگیری نظرات و پیشنهادهای انجمن‌های علمی، دانشجویان و اساتید دانشگاه و متخصصان و کارشناسان آموزشی
طراحی	ـ امکان تحصیلات دانشگاهی برای مردم مناطق محروم با تأسیس دانشگاه‌های بومی و نیز اختصاص سهمیه پذیرش دانشگاه به این مناطق	ـ طراحی آرمان‌گرایانه و ایدئولوژیک و مبتنی نبودن بر نیازها و امکانات جامعه ـ طراحی تمرکزگرایانه و از بالا به پایین ـ عدم شفافیت، مبهم و کلی بودن اهداف آموزش عالی ـ عدم استفاده از علم سیاست‌گذاری ـ تعدد نهادهای سیاست‌گذار و عدم هماهنگی آنها در سیاست‌گذاری (موازی‌کاری و تناقض) ـ عدم داشتن اطلاعات جامع و درست از وضعیت آموزش‌عالی در ایران و مشکلات آن	ـ لزوم طراحی سیاست‌ها مبتنی بر واقع‌گرایی و نیز نیازها، امکانات و استطاعت (امکان‌سنجی) ـ طراحی از پایین به بالا ـ بازتعریف اهداف و چشم‌انداز آموزش عالی و اجماع بر سر آن ـ باور به علم سیاست‌گذاری در بخش آموزش و بهره‌گیری از آن ـ تشکیل یک نهاد مرجع و متشکل از نهادهای اصلی سیاست‌گذاری در بخش آموزش عالی نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی عتف، وزارت علوم و ... ـ ایجاد نظامی برای گردآوری اطلاعات دقیق و جامع از وضعیت آموزش عالی

چرخه سیاست‌گذاری آموزش‌عالی	وضعیت / ارزیابی (قابل قبول)	وضعیت / ارزیابی (غیر قابل قبول)	راهکارهای سیاستی
اجرا		ـ تصدی‌گری دولت ـ عدم تخصیص بودجه مناسب به بخش پژوهش و آموزش‌عالی و اجرا نشدن بسیاری از طرح‌ها به دلیل کمبود منابع مالی ـ نبود نظارت مناسب بر اجرای سیاست‌ها ـ نبود سیستم ارزیابی ـ عدم هماهنگی دستگاه‌های مختلف در اجرای سیاست‌ها ـ ضعف نیروی انسانی به لحاظ کمبود اعضاء هیئت علمی از یک‌سو و تورم کارکنان اداری از سوی دیگر ـ اجرایی نشدن برخی سیاست‌ها به دلیل نداشتن ضمانت قانونی ـ ضعف فناوری و تکنولوژی در آموزش و پژوهش	ـ رواج تسهیل‌گری و تنظیم‌گری و توانمندسازی ـ سنجیدن میزان بار مالی و تخصیص بودجه مناسب به بخش آموزش و پژوهش ـ درنظرگرفتن نهاد نظارتی قوی بر اجرای درست سیاست‌ها ـ طراحی سیستم ارزیابی سیاست‌ها ـ ارتقاء سطح فناوری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی
خروجی	ـ افزایش تعداد دانشجویان و در نتیجه افزایش جمعیت باسواد و متخصص کشور ـ افزایش زنان تحصیل‌کرده ـ رشد و توسعه کمیّ دانشگاه‌ها ـ تأسیس دانشگاه آزاد و دانشگاه‌های غیردولتی ـ تأسیس دانشگاه پیام نور و آموزش از راه دور ـ تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی	ـ عدم استقلال دانشگاه‌ها حتی در بخش‌های غیردولتی ـ عدم تناسب رشد کمیّ دانشگاه‌ها با رشد کیفی در این حوزه ـ متناسب نبودن دانش نظری تولید شده در دانشگاه با نیازهای جامعه ـ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی ـ عدم تناسب رشته‌های دانشگاهی با بازارکار	ـ استقلال بخشیدن به دانشگاه ـ توجه به رشد کیفی دانشگاه‌ها همگام با توسعه کمیّ ـ تولید دانش مورد نیاز جامعه ـ ایجاد نظام خود ارزشیابی در دانشگاه‌ها

منبع: نویسندگان

منابع

۱. آذر، عادل و غلامرضایی، داود و دانایی‌فرد، حسن و خداداد حسینی، حمید (۱۳۹۲). طراحی مدل تحلیل سیاست‌های آموزش عالی کشور با استفاده از پویایی سیستم، مورد برنامه پنجم توسعه، فصلنامه سیاست علم و فناوری، (۴) سال ۵، ۱۸-۱.

۲. آذر، عادل و امیرخانی، طیبه (۱۳۹۰). بودجه‌ریزی عمومی: نهادهای بودجه‌ریزی و بودجه محلی، تهران: سمت.

۳. ابراهیم‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۹). نظریه سیستم‌ها: چارچوبی برای تحلیل. سیاست خارجی، (۴) ۲۴، ۱۱۳۹-۱۱۲۴.

۴. ابراهیمی، فاطمه و ضرابیان، فروزان (۱۳۹۷). نقش فناوری‌های جدید آموزشی در تعلیم و تربیت: مقاله مروری. کنفراس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، حقوق و مطالبات فرهنگی، اجتماعی، دوره ۱.

۵. ابطحی، سیدحسین و ترابیان، محسن (۱۳۸۹). بررسی تحقق اهداف آموزش عالی براساس سند چشم‌انداز بیست ساله کشور با روش تحلیل سلسله مراتبی(AHP)، پژوهش در نظام‌های آموزشی، دوره ۴(۸)، ۶۰-۳۱.

۶. ابراهیمی کیاسری، حمیدرضا و الوانی، سیدمهدی و معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۴۰۲). ارزیابی ترکیبی از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران، مدیریت دولتی، دوره ۱۵ (۱۲)، ۲۵۷-۲۳۰.

۷. الوانی، سیدمهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۶). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۸. عباسی، طیبه و دانایی‌فرد، حسن و آذر، عادل و الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۹). تبیین تغییر خط‌مشی با استفاده از نظریه جریانات چندگانه کینگدون؛ مطالعه موردی تغییر قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سیاست علم و فناوری، سال ۳ (۱)، ۹۷-۸۱.

۹. الوانی، سیدمهدی و پورسید، بهزاد و هادی پیکانی، مهربان (۱۳۸۸). مروری بر مدل‌های خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی، مجلس و پژوهش (۵۹) سال ۱۵، ۱۰۵-۷۳.

۱۰. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۱). راهکارهای مشارکت عامه در خط‌مشی‌گذاری عمومی، مجله مجتمع آموزش عالی قم، (۱۳) سال ۴، ۱۷-۵.

۱۱. باقری‌مقدم، ناصر و احمدی، حسن (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران، سیاست‌گذاری عمومی، (۴) دوره ۴، ۷۴-۵۵.

۱۲. بنار، احد و رضاییان، علی و معماریانی، عزیزالله و معینی، علی (۱۳۹۹). طراحی الگوی سیاست‌گذاری در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با رویکرد هوش تجاری: با استفاده از نظریه داده بنیاد. تحقیقات آموزشی، (۱) سال ۱۲، پیاپی ۴۵.

۱۳. جاوید، محمدجواد (۱۳۸۹). تشکل‌های دانشجویی، به ضمیمه مجموعه قوانین تشکل‌های دانشجویی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۴. حسن‌مرادی، نرگس و مهرپارسا، سحر (۱۳۹۹). نقش آینده‌پژوهی در آموزش عالی در سیاست‌گذاری آموزش و تجاری‌سازی دانش. رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت، (۱۸) دوره ۱، سال ۳، ۸۱-۶۲.

۱۵. دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۹). دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه و دولت‌های توسعه‌گرا. چاپ

چهارم، تهران: آگاه.
۱۶. رجایی، امیر (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی خط مشی‌گذاری آموزش عالی در ایران. فصلنامه آموزش عالی ایران، سال ۱۴ (۳)، ۳۹-۲۰.
۱۷. رضایی‌قادی، مهدی و شیرخانی، علی (۱۳۹۹). ارزیابی سیاست‌گذاری عمومی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نظریه حکمرانی خوب. سیاست متعالیه (۳۰) دوره ۸، ۱۸۶-۱۶۵.
۱۸. رمضانپور بلوچی، عابد و ابراهیمیان، حجت الله (۱۴۰۱). جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در سلسله مراتب قواعد حقوقی، دستاوردهای نوین در حقوق عمومی (۴)، سال ۱، ۱۰۵-۷۷.
۱۹. روشن، احمدرضا و حسینی لرگانی، سیده مریم (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی و تحلیل برنامه‌های توسعه آموزش عالی ایران و ارائه الگویی برای ساختار و فرایند تدوین برنامه هفتم توسعه. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مجموعه گزارش‌های تخصصی آموزش عالی؛ شماره ۱۶.
۲۰. ساباتیر، پل و مازمانیان، دانیل (۱۳۸۵). شرایط موفقیت در اجرای مؤثر سیاست‌ها: راهنمایی برای تحقق اهداف در سیاست‌گذاری عمومی. ترجمه پناهی، محمدعادل و قاسمی نراقی، سارا، فرهنگ و اندیشه، (۱۸) سال ۵.
۲۱. ساعدموچشی، لطف‌الله و عزیزی، نعمت‌اله (۱۳۹۹). تحلیل ابعاد کمیّ و کیفی سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی ایران. (۱) دوره ۸، ۱۸۴-۱۶۶.
۲۲. سهرابی، منیره و یمنی‌دوزی سرخابی، محمد و فراستخواه، مقصود و حضرتی، حسن (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تحول دانشگاه در ایران از تأسیس دانشگاه تهران تاکنون. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، (۱) دوره ۶، سال ۲۸، ۲۰۶- ۱۸۵.
۲۳. شافریتز، جی.ام و بریک، کریستوفرپی (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا. ترجمه ملک‌محمدی، حمیدرضا، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
۲۴. شیخی، سعید و غلامی هره‌دشتی، سهیلا (۱۳۹۳). نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش. مطالعات آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ارتش، (۲) سال ۲.
۲۵. عباسی، محمدرضا و شیره‌پز آرانی، علی‌اصغر (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری کیفیت آموزش عالی: چالش‌ها و چشم‌اندازها. همایش«ارزیابی کیفیت در نظام دانشگاهی»، دانشگاه تهران، پردیس دانشکده‌های فنی.
۲۶. غفرانی، محمدباقر (۱۳۸۲). مسائل ساختاری نظام آموزش عالی ایران و راه‌های برون‌رفت از آن در برنامه چهارم، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات فرهنگی، شماره مسلسل ۶۸۴۲، کد موضوعی ۳۲۰.
۲۷. فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران. تهران: رسا.
۲۸. فرج‌اللهی، مهران و ظریف‌صنایعی، ناهید (۱۳۸۸). آموزش مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی. راهبردهای آموزش، (۴) دوره ۲، ۱۷۱-۱۶۷.
۲۹. قادری، مصطفی و محمدیان، کویستان و کشاورززاده، علی و قاسمی، مجید و ریگی، عاطفه و ساعدموچشی، لطف‌الله (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری مبتنی بر بازارکار در آموزش عالی ایران: ارائه یک مدل مفهومی، آموزش عالی ایران، (۳) سال ۱۰.
۳۰. قراخانی‌بهار، اکبر (۱۳۹۷). سیستم و تفکر سیستمی: نظریه و عمل بنیادی. تهران: نشرنی.
۳۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲). سیاست‌های مقایسه‌ای. چاپ چهاردهم، تهران: سمت.
۳۲. کیخا، احمد و توفیقی‌داریان، جعفر (۱۴۰۰). بازتعریف نقش اعضاء هیئت علمی در سیاست‌گذاری آموزش عالی: یک مطالعه کیفی با استفاده از تحلیل تماتیک. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، (۳)، دوره ۷، ۷۶-۵۵.

۳۳.کیخا، احمد و توفیقی‌داریان، جعفر (۱۴۰۰). جایگاه نهادهای دانشجویی در حکمرانی آموزش عالی با رویکرد سیاست‌های کلی. (۳) دوره ۹، ۵۲۴-۴۹۶.
۳۴. مقیمی، محمد و پورعزت، علی‌اصغر و دانایی‌فرد، حسن و احمدی، حیدر (۱۳۹۵). تبیین عناصر حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری نظام بودجه‌ریزی کشور. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، (۲۱) دوره ۶، ۵۲-۳۱.
۳۵. ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۴). مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی. تهران: سمت.
۳۶. ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۵). سیاست‌گذاری، دانش و روش. سیاست داخلی، (۱) سال ۱، ۱۸۹-۱۷۷.
۳۷.نجیبی، سیدسعید و خراسانی، اباصلت (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی نظام سیاست‌گذاری آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران. دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، (۱۲) دوره ۱۱، ۱۰۱-۷۶.
۳۸. نفیسی، عبدالحسین (۱۳۸۰). تحلیل نظام آموزش عالی. طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش تلفیق، شماره ۶.
۳۹. ولی‌زاده، الهه (۱۴۰۱). چالش‌های چرخه سیستمی سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، به راهنمایی دکتر روح‌الله اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

منابع انگلیسی

1. Choi, seungchan (2019). Identifying indicators of university autonomy. According to stakeholders interests. Tertiary education and management, 25 (1), 17-29.
2. Brown Jr, W. O. (2001). Faculty participation in university governance and the effects on university performance. Journal of Economic Behavior & Organization, 44(2), 129-143.
3. Leisyte,l.,westerheijden,D.F.,Epping,E.,faber,m.,& weert,E.D (2013) Stakeholders and quality assurance in higher education, Paper for 26th Annual CHER Conference Lausanne (CH).
4. Bache, I. and A.Talor (2003). "The Politics of policy Resistance: Reconstructing. Higher Education", Journal of public policy, Vol.23, No.3.
5. Binzerhbolt, Sara and Robert kelemmesen (2005) Responsive Government? Public Opinion and Government Policy, political studies, vol 53.

سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

https://www.entekhab.ir/fa/news/709774
https://akharinkhabar.ir/social/9762806
https://culture.vru.ac.ir/student-organizations
www.mashreghnews.ir
www.eghtesadnews.com
http://paramedfac.tbzmed.ac.ir
http://rc.majlis.ir
http://www.isna.ir
www.mehrnews.com
http://farhikhtegandaily.com
http://www.isc.ac
http://www.mardomsalari.ir
https://qavanin.ir